

# نگاهی به: متن پیشنهادی "قانون اساسی"

● بجای حق خود مختاری خلقها، آزادی استفاده از زبان محلی حرف زده شده!  
● چرا از حق داشتن کار، حق داشتن مسکن، حق اعتصاب و بهداشت و درمان رایگان سخنی در بین نیست؟

● با این وضع انقلاب با فاجعه ای همانند شکست انقلاب مشروطیت روبروست

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

## بیکار

دوشنبه ۱۱ تیرماه ۱۳۵۸ بها: ۱۰ ریال

بیش نویس جدید قانون اساسی دوهفته پیش منتشر شد و مفاد آن از جنبه ها و نقطه نظرات گوناگون مورد بحث نیروهای مختلف قرار گرفته است. مناظرات خود را پیرامون انتظاراتی که از مجلس مؤسسان و محتوای آن می رود بطور بسیار مختصرا ما روشن در شماره ۸ بیکار آوردم و نشان دادیم که انتظار توده های میلیونی خلق طی مبارزات دمکراتیک و ضدامپریالیستی در سالهای اخیر چه بوده و از انقلاب چه مطالبیده اند. مسلما آن انتظار چیزی نبوده و نیست که " دولت " کنونی بتواند بدان جامه عمل بپوشاند. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان که بار اصلی انقلاب را بدوش داشته اند روز بروز بیشتر به بوجی وعده ها تکیه از طرف رهبران به ایشان داده شده بود، پی میبرند.

بورژوازی لیبرال که همواره در حاشیه جنبش، برای رسیدن به چنین روزی حریمانه انتظار میکشد و در حقیقت نقشی جز کند کردن حرکت انقلاب نداشت، اکنون به آرزویش رسیده و با پشتوانه بسیج توده ای که رهبران انحصار طلب جنبش در خدمت گذاشته اند، دست اندر کار تصویب قانونی است با رنگ و لعاب مذبح، که نظام سرمایه داری حاکم رابقا و تقدس و از این طریق انقلاب ایران را از محتوای اصلی که داشته است تهی گرداند. آری با اینکه این بورژوازی " نه آنطور که میخواست از طریق معامله صلح آمیز با سلطنت و امپریالیسم بلکه از طریق یک قیام " بقدرت رسیده است، ولی با اینهمه خواستها و اهدافی که دارد، فرستگها از آنچه که زحمتکشان بدنبال آتند فاصله دارد. اهدافی که میروند تا به وسیله " قانون اساسی " و به کمک زور و قلدری رسمیت یابند.

دولت سرمایه داری که تا کنون به بهانه " موقت " بودن از انجام اقداماتی در جهت منافع توده ها شانه خالی میکرد و به اصطلاح نداشتن قانونی را که گویا بدون وجود آن هیچگونه حرکتی به پیش امکان پذیر نیست، مستمسک قرار داده بود، اینک درمد است که با سرهم بندی قوانینی در خدمت خود، آنهم در مجلس خصوصی اش با انحصار طلبان، عرصه ساخت و ساز آتینده اش را با جامه قانونی و لایبند شرعی! آب و جارو کند.

البته جز این نیز نمیتوانست باشد، چرا که همواره قانون در خدمت کسانی است که آنرا وضع میکنند و در واقع عجیب میباشد اگر دولت سرمایه داران قوانینی وضع نماید که نه در خدمت سرمایه و سرمایه داری حاکم، بلکه در جهت پاسداری از منافع زحمتکشان باشد! و درست بهمین خاطر است که کسب نیستها همواره گفته و میگویند که تنها آن نظامی میتواند جوایگی نیازهای اساسی زحمتکشان باشد که تحت رهبری طبقه کارگر شکل گرفته و به پیش رود.

بازی هم اکنون پیش نویس قانون اساسی پیش روی ماست و خواهیم دید که نه تنها با آنچه که مردم ستمدیده ایران برای بدست آوردن انقلاب کرده اند زمین تا آسمان فاصله دارد، بلکه حتی هیچکدام از آنهم وعده هایی را که از طرف رهبران انقلاب به " مستضعفین " داده میشد در بر ندارد.

در زمینه اهداف ضد امپریالیستی انقلاب، حتی کلمه ای در متن قانون اساسی گنجانده نشده است. در همین رابطه مسئله مصادره ملی کردن سرمایه ها و صنایع وابسته که طی سالبان دراز مردم ستمدیده ما را به خاک سپاه نشان داده است، به فراموشی سپرده شده، در مورد چگونگی حل مسئله ارضی، این عاجل ترین مسئله دهقانان ایران نیز وضع از همین قرار است، در زمینه حقوق خلقها و حق خود مختاری، در چارچوب ایرانی

# پیام به سازمان چریکهای فدائیان خلق

صفحه ۳  
درگیری دهقانان با مالکین سابق (در منطقه مهاباد) صفحه ۷  
پیام به خانواده های مجاهدین شهید متحصن در دادگستری  
حزب توده برگرفته های تهرانی جلد ۱  
صفحه میگذارد  
در باره تزکیه صفحه ۸  
اخبار کارگری صفحه ۶

## حمله آشکار بورژوازی به انقلاب، زیر نام انقلاب

### دادگاههای شبه صحرایی در انتظار انقلابیون و زحمتکشان

لیبرال این امکان را بدهد که همدستان آتی و مهم خود را از میان نمایندگان وابسته به رژیم قبلی، منتهی با دقت بیشتر انتخاب کند، مولوی نماینده سابق ایران در بازار مشترک در زمان شاه (درواقع نماینده امپریالیستها) رئیس بانک مرکزی، اردلان از نمایندگان بورژوازی وابسته در راس مرکز تصمیم گیری اقتصادی، و قره نی در راس ارتش و... اینها در واقع تحقق صحبت های بختیار بود منتهی با " زور و اهانت " اما قیام " شکلات " فراوانی برای بورژوازی به بار آورده، بحدی که هنوز همیشه بیشتر صحبت های نخست وزیر دولت موقت را در صحبت های تلویزیونی و غیره بخود اختصاص میدهد... بقیه در صفحه ۲

زمانیکه بختیار اعلام کرد: " قانون اساسی اجازه هروس تغییر را داده است منجمله اعلام جمهوری منتهی این تغییر باید بطور عادی و آرام انجام گیرد نه به زور و اهانت " (کیهان ۲۱ بهمن سنه)، بورژوازی لسرال خیالش بیش از پیش راحت شد! هر چند که قیام پرشکوه بهمن ماه، سیر حوادث را عوض کرد، زیرا که آرزوی بورژوازی لیبرال این بود که قدرت در سنی طلایی به وی تفدیم گردد، و او در عوض ضمانت عملی نشدن خیلی از کارها را که بعدا شد بعهده گیرد. باری حادثه قیام هر چند بسیار با عظمت بود، ولی به حکم بسیاری چیزها - نومه خرده بورژوازی و ناآگاهی توده ها، ... - توانست به بورژوازی

## استقبال از نماینده قابوس مزدور نشانه کدام سیاست دولت موقت است؟

دولتی که نه تنها در قطع سلطه امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا قدمی برنداشته، بلکه به تحکیم نفوذ و بازگشت مجدد آن از مواضعی که عقب رانده شده است کمک کرده، دولتی که اگر پس از چند ماه مجبور شده اعلام کند که کابینتولسیون لغو است اما آگاهانه هیچک از اسرار آنرا افشا نکرده است، دولتی که هیچ برده ای از جناسات امپریالیستی آمریکا، انگلیسی و... که با ایران شاه، دارای پیماهای نظامی و پلیسی و سیاسی اقتصادی بوده اند، برنداشته، دولتی که از همکاری گسترده ساواک، سیا، موساد اسرائیل سخنی جدی نگفته و روابط و همکاری ساواک را با دستگهای جاسوسی مراکش، مصر و... برای سرکوب مبارزات خلقهای دیگر افشا نکرده است. دولتی که اینانیات بقیه در صفحه ۲

## سیاست خارجی دولت یا دم خروس؟!

سیاست خارجی یک کشور، آنهم در این دنیای کسبه، نوع خلقها (وهم منافع دشمنان خلقها یعنی امپریالیسم و ارتجاع) بستند با هم پیوند ارگانیک دارد، بوضوح نشان میدهد: ماهیت و سمت حرکت هیئت حاکمه آن کشور است. سیاست خارجی یک کشور همچون آینه ای نشان میدهد که حکومت طراح آن سیاست در صف خلقهاست یا در صف دشمنان خلقها... نگاهی به خط مشی سیاست خارجی دولت - آنهم برای نیروهای مترقی و توده های زحمتکشی که بار یک انقلاب خونین را بدوش کشیدند و انتظار داشتند که به هدفهای دمکراتیک، ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خود جامه عمل بپوشانند - چون یک فاجعه، تکاندهنده است. روزی نیست که از این باغ بر تازه ای نرسد، " تازه ای " که با توجه به ماهیت هیات حاکمه دیگر تازگی ندارد و اگر جز این اتفاق افتد تعجب انگیز است.

## دمکرات نمائی وزارت خارجه

هفته گذشته وزارت خارجه از تمام نیروها و گروه های سیاسی دعوت کرد تا برای " معارفه " و " مشورت " در مورد سیاست خارجی دولت موقت در یک گردهمایی شرکت کنند. چرا ما در این گردهمایی شرکت نکردیم؟ ما در همین شماره به خطی که دولت موقت در مورد سیاست خارجی پیش گرفته است (در مقاله سیاست خارجی دولت دم خروس) اشاره کردیم. با توجه به این حقیقت، حقیقتی که هر روز با شدت بیشتری خود را نشان میدهد، سیاست خارجی دولت موقت را سیاستی عکس منافع زحمتکشان ایران میدانیم. بنا بر این از نظرها هدف از تشکیل چنین مجمعی از قبل روشن بود. دولتی که بعد از قیام مظلوم شده سیاست خارجی اش در چه جهتی است، دولتی که وزیر خارجه اش اقرار میکند که هدف از این گردهمایی نه تعسین " خط مشی " سیاست خارجی بلکه فقط " شنیدن " حرف دیگران است، از این عمل چه هدفی میتواند جز فریب افکار عمومی داشته باشد؟ بقیه در صفحه ۲

مستقل و آزاد، هیچ حرفی در میان نیست. دولت حامی " مستضعفین " حتی حق اعتصاب را برای کارگران و دیگر زحمتکشان به رسمیت شناخته است و هم بطور حقوقی زنان، حق داشتن کار، حق داشتن مسکن برای هر فرد، آموزش الزامی و رایگان، بهداشت رایگان و... باری متن پیشنهادی " را فدای از نزدیکتر بررسی کنیم:

- در اصل ۱ و ۲ که از نوع حکومت و نظام بس از انقلاب سخن به میان آمده، و نیز در هیچیک از اصول دیگر متن، سر جنبه محوری انقلاب خلقهای مسا یعنی " دموکراتیک و ضد امپریالیستی " بودن آن اشاره ای نرفته است. همچنین تضمین های ضروری جهت جلوگیری از بازگشت مجدد هرگونه وابستگی به امپریالیسم، جهت نابود کردن هرگونه نقابای فئودالیسم و ارتجاع در این پیش نویس منظور نشده است. در صورتیکه انقلاب خلقهای ایران قبل از هر چیز جهت استقلال طلبانه و آزادیخواهانه داشته است و مردم ستمدیده ما قبل از هر چیز بر علیه هر نوع وابستگی اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی بر علیه همه در صفحه ۲

# پیش نویسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

ادامه از صفحه اول سیاست خارجی...

بیمار رژیم سابق و اربابان امپریالیستش در رابطه با سرکوب خلقهای قهرمان فلسطین و عمان حرفی نزنده، دولتی که هنوز مسئولین کتلتا رقیع معدا هتن از فرزندان خلق عمن را معرفی و محاکمه نکرده است. آری از جنبین دولتی، چه انتظاری میتوان داشت؟

سبک نمونه جدید اشاره کنیم: روزنامه های چهارشنبه ۶ تیر، خبرازدسار کفیل وزارت خارجه، عمان از ایران و استقبال مقامات ایرانی از او داده اند. یوسف العلوی کفیل وزارت خارجه، سلطان نشین عمان، نامانده گسدام سیاست است که از سوی " دولت انقلابی" استقبال میشود و منظور که خبرهای حول و حوش دیدار او میگوید سخن از همکاری های دو کشور در رابطه با تنگه هرمز هم در میانست اونوکر حلفه بگوش ساست امپریالیستی آمریکا و انگلیس در خلیج است که مامور برقراری تماس و تحکیم روابط گشته اسو چه وجه اشتراکی محکمتراز مبارزه با کمونیسم، بهمان معنایی که بگوشمان آشناست، که هر صدای آزادی خواهانه و مردمی را زیر سیروس مبارزه با کمونیسم درگلو و درآبند. در ادبجای، هر صدای مبارز و آزادیخواه دمکرات و طرفدار طبقه کارگر و زحمتکش را، ولو با کمک رجاها و جماعتداران و استفاده از ناآگاهیهای مردم میکوشند خفه کنند و در آنجا ( در عمان ) نیز مبارزه انقلابی خلقی را که برای آزادی میهن از تسلط امپریالیستها و قطع دستهای چپا ولگر و منجوز میکنند بخون میکنند. این است وجه اشتراک وزارت خارجه قابوس و وزارت خارجه " دولت موقت ". چیزی که مردم آگاه و انقلابی ما آنرا محکوم میکنند، اقداماتی که عمر آن بسیار کوتاه است.

خلق های ما انقلاب کردند که یک سیاست انقلابی و مردمی امور داخلی و خارجی کشور را تنظیم کند. انقلاب کردند که با اتحاد هر چه بیشتر با خلقهای ستمدیده و تحت ستم علیه دشمنان خود یعنی امپریالیسم و ارتجاع مبارزه کنند نه آنکه شما آقایان ببا شبدو بجای فشردن دست نمایندگان انقلابی خلقها، دست ضدا انقلاب، دستانی که ترفیق در خون جوانان و توده های ستمدیده، کوروشان فرو رفته است، دوستانه بفرماید. آقایان خلیج هرگز بر شما نمی بخشد بلکه شما با نمایندگان انقلاب عمان آن برخورد بسیار سرد و شرم آور را بنماشید و با نماینده، قابوس، گرم برخورد کنید. این عمل شما، که نشاندهنده جهت گیری سیاسی شما در خلیج بنفع امپریالیستها و فتنخوار و دست نشانگان مرتجع آنهاست جز بمفهوم محکوم کردن انقلاب عمان و نیز محکوم کردن انقلاب ایران نیست. شما ممکن است بخود حق دیدگاه اینگونه با قابوس طرح دوستی و همکاری بریزید ولی مسلم بدانید که خلقهای دلاور ما این اقدام ضدا انقلابی را فراموش نخواهند کرد. بین خلقهای ایران و عمان پیوندهای انقلابی ناگسستی وجود دارد آنها نخواهند گذارد دشمنان نشان مجددا علیه شان توطئه بچینند. سباز ۳۰ سال است که خاندان آل بوسعد که دست نشانده مستقیم انگلیسی ها و امریکایاست، بر عمان فرمانروائی میکنند و شرایط قرون وسطائی را از فقر و جهل و بردگی بر مردم عمان و خلیج تحمیل می نمایند. قسام عظیم خلقهای ما طومار خاندان سلطنت پهلوی را بر چید و این برای توده های ستمدیده خلیج و عمان که همواره چماق سرکوب امپریالیسم را بدست تاه بالای سر خود دیده بودند بسیار رشادی آفرین بودند آنها انقلاب اسران را از خود دانستند، پیروزی گام اول آنرا شریک گفته و می گویند آنها بیشترین حسد احترام را برای انقلاب ایران قائل بوده و هتند انتظار خلقی عمان، که زنان و کودکان و جوانان آنها بوسیله ارتش تجاوز گر شاه بسیاران و قتل عام شدند، این بوده و هست که دست تجاوزگران از سرزمینشان کوتاه شود و آنها بتوانند پیوند برادرانه و انقلابی دیرین را دوباره با خلق های ایران برقرار کنند و منطقه را نه منطقه غارت امپریالیستها بلکه منطقه ای متعلق به خلقهای محروم آن و در جهت بهبود زندگی آنان بسازند.

خلاصه بنام دولت " انقلابی " که خود را زاده انقلاب مردم ایران میدانند، دارند با دشمنان آنها لاس میزنند و همان کار گذشتگان را تکرار می کنند. آری آقای وزیر خارجه استقبال گرم شما از نماینده قابوس خائن و قولهای مساعد شما در همکاری ( همکاری در چه و بنفع کی؟! ) با عمان سندی است که شما را در پیشگاه خلق محکوم می کنند. رابطه با قابوس خائن تنها یک نمونه کوچک است نمونه های بزرگتر فراوانند.

ادامه از صفحه اول حمله آشکار... بیروازی حاکم و همان روز اول بقدرت رسیدن بیانشا بنفرشدید نسبتبه آنچه توده ها خواسته اند در قضا بدست آورید... می نگرد، ... آتقدیر که نه همه آنها انکض الاعلاب و رای عوام فرسی انکض اسلام میزند ... شورا های کارگران ضد انقلابی اند ... شورا های دهقان ضد انقلابی اند ... و شورا های ارتش و ادارات نیز همنسن ... بنا بر این طبیعی بود او سرعت با یک دست سه نرمبم آنچه آسب دیده بپردازد و با دست دیگر در زیر بارانی از تبلیغات بر علیه نیروهای انقلابی و توده های زحمتکش و خلقهای ستم دیده ... که برای رسیدن به حق عادلانه خویش مبارزه میکنند، تلاش کند.

اما با این همه او به برکت قیام نتوانست از همان روز اول با چهره کاملاً آشکارش عرض اندام نماید ... ولی امروز رشد نیروهای انقلاب در فضائی که بوجود آمده است، دیگر تحمل او را به سر آورده، و او را به آنچنان روزی انداخته است که ادامه حیات خود را بی هیچ پوششی در چنگ زدن به قوانین زفاخانی و محمد زفاشی میبندد. اما او برای استنکار، به چند چشمه شیبیده بازی نیاز دارد، تا آنچه را که میخواهد بر علیه انقلاب تدارک ببیند در ظاهر عوام پست عرضه نماید. و بدین ترتیب بورژوازی حاکم برای بقا، خود لایحه ای را که بی شک تاریخی خواهد شد، بسرعت برقی و تصویب شده به اطلاع مردم میرساند.

کسانی که کارگران را بر علیه کیسه پر پول کارفرمایان تحریک کنند، مستحق مجازاتند!

وقتی بورژوازی شمشه بازی را برای منافع خود لازم میبندد و در لایحه میآورد که " به منظور استقرار حاکمیت ملی و نگاهداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی ". در همینجا خرده بورژوازی مرفه گرم از احساسات فورا فریاد بر می آورد که کافی است سبقت حسن - در انقلاب اسلامی هیچگونه سستی و اهماال و شوخی جایز نیست، باید آنرا تحکیم و حفظ نمود، باید دشمن را هر طور شده تانود ساخت. و چون این لایحه جهت حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی است پس نیت در... و ذیخه مترقی است. لایحه تصویب گردید. و توده های ناآگاه فریاد میزنند که " لایحه تصویب باید کرده " کارها به چه آسانی میگردد! بورژوازی " متخصص " با آگاهی به همین امر سست که غیر از آنست که بورژوازی در اینان دارد و تا حالا بوی نشان داده است، واژه ها برای توده ها عوض میشود. هر قدر آگاهی توده ها بالاتر میروند، همانقدر سد توهمات نیز بیشتر میشوند. اما بورژوازی بیپوده فکر میکند که میتوان با " قانون " توهمات را پایدار ساخت. مغز او علیس است و درک نمیکند که چگونه همین توده ها در عرض یک چشم بهم زند قوانین به ظاهر آهنین نهاد رژیم سابق را پوشالی ساختند. چشمی که باز شد بسته نمیشود. به لایحه نگاه کنید:

بورژوازی با اطمینان کامل از حس نیت خلوصانه خرده بورژوازی " است که هنوز ۵ ماه از قیام نگذشته هنوز سگر بندهای حیوانها برچیده نشد، هنوز شعارها از دیوارها پاک نشده و ... این چنین شها مت و جسارت پیدا کرده و برای رسیدگی به جرائم ضدا انقلاب فاسوی را به خورد توده ها و انقلاب میدهد که بسی برده و آشکارا بر پای تک مواد آن تاریخ هسای شتکین فیل از ۱۲۲۰ - ۱۲۲۲ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۸ - ۵۱ - ۵۴ ... جلوه نمائی میکنند. قوانینی که در طول سبجاه سال خدمتگزار و محافظ امپریالیسم و دربار پهلوی بوده و خلقهای ایران را در کارخانه و دادنگاه، خیابان و زندان، به بند کشیده و بندست جوخه اعدام سپرده است. و دمار از روزگارش در آورده است. آنهم با همان برچسب های معروف خرابکار، تجزیه طلب، جاسوس، اختلال در استقلال (!) اقتصادی و ... و امروز همان قوانین هنوز از بین نرفته دوباره احیا شده و اعتبار پیدا میکنند!

اما برای همدستان بورژوازی حاکم، برای آنها نارنج و میما و اصل های لایحه چندان مهم نیست، از نظر آنها " ما برای انقلاب اسلامی "، انقلاب کرده ام و این لایحه به منظور حفظ آنست. بی " احسنت بورژوازی! " پس از " قانون اساسی " که حمله آشکار بورژوازی بر علیه انقلاب و اعلام موجودیت قانونی سرسایه داران وابسته به امپریالیسم بود، " لایحه رسیدگی ... "، اعلان جنگ قانونی و رسمی بورژوازی بر علیه انقلابیون، کارگران، توده های

زحمتکش و خلقهای تحت ستم معنی کلیه نیروهای است که خواهان نابودی کامل رژیم مقدس کهن هستند. سلولهای زندان، صوبه های دار، گلوله های که شلیک می شوند، خطابیه اعلان جرم و دعای پس از اعدام همانست که در دوران رژیم سابق بود با این فرق کوچک که بر بالای صوبه دار، سردر زندان و سر تیر ختابیه کلمه " انقلاب اسلامی " مبدرخشد و طر خوش یکسال مبارزه گردانده، دوشادوش و لاینقطع فرزندان برومندی را که در زندانها و خاباها خون بر زمین ریختند، دوباره زنده میسازد.

۲۱ بهمن ماه، شروع بجرم

ضعف انقلاب چنان است که شها مت و بی پروائی " سورژوازی " دانجا رسد که در تبصره ماده ۱۵ عنوان میکنند که " دادگاه موی العاده ... رسیدگی به جرایم مذکور در ماسور را که از اسدای ۲۱ بهمن ماه اتفاق انواده اسولی محر نه صدور حکم قطعی نگردید، ... به عهده بگرد. " بورژوازی علنا خشم و نفرت بی با بیان خود را به " انقلاب " به نمایش میگذارد و خلق های مبارز و ستمدیده ایران را یکجا به محکمه میکشد. او از اینکه توده ها در این مدت کوتاه ۱۵ ماه زنجیر هائی از اسارت پس از ۵ سال و با تحمل خسارت سنگین دهها هزار شهید از هم گسسته و در هوای نیمه آزاد تنفس کرده اند، متفتر و کینه بدل است. او از اینکه کارگران، سرماه داران نجیب را به محکمه میکشند، سربازان و درجه داران، قانون اطاعت کورکورانه را زیر پا له میکنند و مزدوران خائن، یعنی فرماندهان را رسوا ساخته و بر مدالهای شتکین آمریکا شان تانداخته، غرور ضد خلقی آنها را در هم میکشند، از اینکه خلقهای تحت ستم بپا خواسته اند تا بساط برتری و ستم ملی را درهم بپینند ... و همه آنچیزی که اراده خلقی و قاطع خلقها را نشانگر است، آری از همه اینها منفر و بیمناک است، و چرا نباشد و نمیتواند هم نباشد.

"فوری"، "بدون تشریفات"، "فوق العاده"

در همه جای لایحه عنوانهای " فوری "، " بدون تشریفات "، " فوق العاده " بچشم میخورد و حسی دادگاههایی که میبایستی این مواد را عملی کنند، به لقب " دادگاه های فوق العاده " متفخر شده اند. بورژوازی هراسان است، میخواهد قاضیه را فوری بکند. چه با چشهای خود شاهد است که چگونه، انقلاب به سرعت شگرفی چشم و گوش توده های ستمدیده را بیشتر باز میکند و هر لحظه چشم انداز دنیای فریختی رابه آنها نشان میدهد که غیر از آنست که بورژوازی در اینان دارد و تا حالا بوی نشان داده است، واژه ها برای توده ها عوض میشود. هر قدر آگاهی توده ها بالاتر میروند، همانقدر سد توهمات نیز بیشتر میشوند. اما بورژوازی بیپوده فکر میکند که میتوان با " قانون " توهمات را پایدار ساخت. مغز او علیس است و درک نمیکند که چگونه همین توده ها در عرض یک چشم بهم زند قوانین به ظاهر آهنین نهاد رژیم سابق را پوشالی ساختند. چشمی که باز شد بسته نمیشود. به لایحه نگاه کنید:

ادامه از صفحه اول دمکرات نمایی...

قابل برش است اگر واقعا هدف " شنیدن حرفهای دیگران " است مگر از همان روز اول پس از پیروزی فنام بهمن ماه نیروهای انقلابی و مترقی خط سیاست خارجی یک دولت واقعا انقلابی را روشن نکرده اند؟ و دهها بار اعلام نکرده اند که: باید اسناد خیانت کارانه هزاران فرار داد بین ایران و آمریکا و امپریالیستها دیگر اشاء شود. باید به نام جنبش های انقلابی جهان از جمله جنبش انقلابی عمن ( ظفار ) کمک شود ( و شرط اولیه کمک و دلجویی از خلق عمن محاکمه و مجازات تمام فرماندهان جنایتکار ارتشی است که خلق حق طلبی را به خاک و خون کشیده اند. ) ... بنا بر این مگر چیزی از طرف نیروهای انقلابی برای گفتن باقی مانده است؟ اما این آقایان بخيال خود با دسته کوران طرف هستند. البته آنها ممکن است این دفعه تا مدتسی خوشحال باشند، که توانسته اند بسیاری از نیروها را

### پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

### به سازمان چریکهای فدایی خلق

### بمناسبت

### سومین سالگرد شهدای ۸ تیر

رفقا!

سالروز شهادت ده چریک فدائی را ، همراه با سایر نیروهای مترقی و انقلابی گرامی میداریم. انقلاب - بسویی که در یکی از سخت ترین و سیاهترین دورانهای تاریخ میهن ما ، با امکاناتی اندک ولی با ایمان و عشقی زیاد به آرمان توده های ستمدیده ، بر علیه رژیم وابسته با امپریالیسم شاه جلا مبارزه کردند و در راه هدف مقدشان از اهدای خون پاک خویش نیز دریغ نوردیدند. آنان با مبارزات قهرآمیز خود که سرنگونی رژیم وابسته شاه را هدف قرار داده بود ، و با جان فشانی های بی باکانه شان حنای رفربمیت ها و سازش کاران ، که دست تمنا بسوی رژیم شاه دراز کرده بودند و "دموکراسی" گدائی میکردند ، اشدت بی رنگ ساختند .

سومین سالگرد شهادت رفقا حمید اشرف رهبر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، محمدحسین حق نواز ، محمد مهدی فوقانی ، یوسف قانع خشکه بیجاری غلامرضا لایق مهربانی ، فاطمه حسینی ، طاهره خرم ، غلامعلی خراطیور ، علی اکبر وزیری ، محمدبشری ، این قهرمانان راه آزادی خلق ، در حالی برگزار میشود که میهن ما و خلقهای رنج دیده و قهرمان ما لحظات حساس و تعیین کننده ای را از سر میگذرانند. از یکطرف امپریالیسم جهان خوار و عمالش میکوشند به طرق مختلف مواضعی را که در جریان انقلاب تمام توده های ستم دیده ما از دست داده اند باز یابند و موقعیت خود را در ایران ، که در اثر مبارزات قهرمانانه خلق لرزان شده است ، مجددا استحکام بخشد و از طرف دیگر سازشکاری خیانتکارانه بورژوازی لیبرال و انحصار طلبی و کومه نظری بخشی از قشر متوسط به اهداف جنایتکارانه امپریالیست ها با شکل مستقیم و غیر مستقیم کمک میکنند .

آری ، امپریالیست ها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا در داخل و خارج ایران بر علیه مردم ستمدیده ما توطئه میکنند ، بورژوازی لیبرال بدلیل ماهیت سازشکارانه خود با آن به همکاری میپردازد و انحصار طلبان و کج اندیشان بخاطر کومه نظری و عقب ماندگی تاریخی شان و بد خاطر اینکه دشمنان خود را بجای امپریالیست ها بناد دست در تیرهای دمکرات و مارکسیست - لنینیست میبندید ، امپریالیسم بورژوازی لیبرال و نهائیتا امپریالیسم میافزاید ، اینها در این راه بدر فرجام تا آن حد پیش رفته اند که حتی به شهدای قهرمان و دلآوری که خالصانه و با سینه های مالمال از عشق به خلق و زحمتکشان و در مقابل با امپریالیسم و رژیم شاه جلادیه شهادت رسیده اند ، بی حرمتی میکنند و بگریزی بسیار مزورانه و در عین حال عقب مانده به عیبست میکوشند که نام این عزیزان را لوث نمایند و حیثیت والای آنان را لکه دار نمایند . و این در حالی است که بسیاری از آنها که امروز ، بر علیه این چانبازان حقیقی راه خلق و زحمتکشان توطئه میکنند درست همان کسانی هستند که در زمان رژیم شاه خائن ، خائسانه در منازل خود غنوده بودند و یا در خارج از کشور به اغذ مدارک تحصیلی اشغال داشتند .

اما تشبثات و دسایسین انقلابی نمایان ، تحت لوای انقلاب ، برای هتک حیثیت مارکسیست - لنینیست ها و دمکراتهای انقلابی که جان خود را عاشقانه در راه خلق اهدا نمودند ره بجائی نخواهد برد . و با داین شهیدان بخونگرفته خلق در خاطر هم میهنان مبارز و رنج دیده ما زنده و پابدار خواهد ماند و ندو خلقهای ما ، زحمتکشان ما ، پرولتا - ریای ما حامیان و نمایندگان راستین خود را خواهند شناخت و خون آنها و پیام شان را ، بیش از پیش پاس خواهند داشت و راه پر شکوه و تاریخ سازشان را تداوم خواهند بخشید . تداومی که با امر پیوند هر چه بیشتر مارکسیست - لنینیست ها با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و پاسبان گویی به ضرورت وحدت اصولی از جانب آنها ارتباط ناگستنی دارد .

دردوربرکلیه شهدای راه آزادی و استقلال میهن مرگ بسر امپریالیسم و نوکسرانش برقرار باد همبستگی نیروهای خلق

در هم شکستن ارتش جنگبند و کلیه نیروهای انقلابی اعدامند . و اگر تا حالا قانون نبوده و اعدام نشده - اند باید فوراً در دادگاههای صحرایی فوق العاده محکوم به اعدام گردند . ( تبصره - ماده ۱۵ ) چرا که اکنون فقط همین نظامیان و نیروهای انقلابی هستند که همچنان خواهان در هم شکسته شدن سازمان و تشکیلات سابق ارتش که در جهت حفظ منافع امپریالیستهاست ، میباشند تا بر ویرانه های آن ، تصفیه کامل و بی - چون و چرای فرماندهان مزدور سابق ، محو و لغوگامی نظام اطاعت کورکورانه ، ارتش خلقی را بی ریزی کنند ، و فقط به همین ها عنوان یائی و نظامی متمرکز داده میشود . در حالیکه فرماندهان سابق سابق همچنان بر مسند قدرت قرار دارند و بر نشانهای افتخارشان میبالند .

● ماده ۸ - هرکس عدهای را نظامیان یا غیرس - نظامیانی را که در خدمت نیروهای مسلح هستند ... . تحریک به عصیان و یا عدم اجرای وظایف نظامی کند ... ۳ تا ۱۵ سال و در صورت موثر واقع نشدن ۲ - ۱۰ سال محکوم میشود .

این درست بسدین معنی است که نظامیانی که در جریان انقلاب " بد عادت " شده و سایه گبوتیسن را بالای سر خود احساس نمیکند ، آنها بی که ای پنجا و آنجا قوانین مقدس ارتش یعنی " اطاعت کورکورانه " را زیر پا میگذرانند و خود سرانه " تشریه " بیرون میدهند . آنها شیکه " وظایف نظامی " یعنی اطاعت - از فرماندهانی را که هنوز عکس شاه را از " بازوان خود " نگشوده اند ، و هنوز مهر شاه را بر دلهایشان دارند ،

### ● قوانین حافظ منافع امپریالیسم و دربار پهلوی که در طول پنجاه سال علیه خلقهای ایران بود ، دوباره احیاء می شوند .

اجرا نمیکند و شورا های انقلابی درست کرده و پخیره - سرانه خواهان اخراج فرماندهان نیز هستند و ... آری همه اینها محکومند و باید اخراج و زندانی گردند . کاری که تا حالا هم میشده و اکنون قانونی شده و دست فرماندهان را از حنا در می آورد .

● اعمال اخلاقی که در کارخانه ... اخلاص و کارکنان را تحریک و تخریبی به تشطیل کار و ... میکنند ، " جرایم ضد انقلابی " محسوب و به ۳ - ۱۰ سال محکوم شوند - ( ماده ۹ ) .

در تولید ، آنجاییکه کیسه های پر از پول خوابیده ، جای هیچگونه شوخی وجود ندارد . یعنی اعتبار ممنوع . یعنی کارگرانی که در جریان انقلاب " بر رو " شده اند و تن به چپاول و زورگویی نمیدهند ، با یادر حمایت کشیده بودند ، باید پیشروها را اخراج و زندانی کرد تا دیگران با دیدگیرند که در تولیدی شوخی وجود ندارد ، چرا که اگر این توده های زحمتکش که از شانس بد بورژوازی ، لشگرشان عظیم هم هست ، نافرمانی را عادت کنند و به نیروی خودی بپرند نه تنها نمیتوان کنترلشان کرد ، بلکه تولید و دریک کلام آقا ثانی و سیادت بورژوازی نیز از زمین خواهد رفت .

کارگران فقط با بدطوری تحریک شوند که درخیا بناها شعار " اعدام باید گردد " را تکرار کنند ، نه اینکه از کمی دستمزد ، فقر و محرومیت انشعاعات زندگی و کار طاقت فرسا " تحریک شده " و در تولید اخلال کنند ، تحریکی که به کیسه های پول " کارفرما لطمه وارد میکند مضر است و باید مجازات شود . . . . .

در تمام این موارد سران خرده بورژوازی مرفه ، فقط بعبارت نگاهداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی دلخوش میگردند و حرف متخصصین را تصدیق میکنند . از نظر آنها اگر توده و قوانین رژیم سلطنتی میتواند به حفظ دستا وردها و ... کمک کند ، پس باید آنها را حفظ کرد و بکاربرد . بورژوازی پوسته خود را شکافته ، و حمله آشکار را به انقلاب بانام انقلاب آغاز کرده است .

انقلاب بورژوازی را بالا آورد و اکنون نوبت بورژوازی است که انقلاب را زسما پائین ببرد ، دوره طفولیت انقلاب به پایان رسیده است ، اما توهمات توده ها - توده های که امروز امر میبرند دیری نخواهد پاید . چون توده ها بروی زمین زندگی میکنند و زندگی و تشکیلات و تجار را در ذهن توده های نا آگاه خواهد شکست ، و اینبار انقلاب بر طراوت و بالغ چنان بورژوازی ، این پیرمفلوک را بر زمین خواهد زد که هرگز بر نخیزد .

پس بگذار " مردگان را مرده ها بردارند " و توده ها هر چه بیشتر از دست مرده ها خلاص شوند . بدون شک در این میان توهمات و تخیلات ضربه عظیمی خواهند خورد . ضربه ای که هزاران جزوه ترویجی و سخنرانی نمیتوانست وارد سازد

با سرعت و بدون انلاف وقت احام مسدود " ( ماده ۱۳ ) باید تا میتوان تندتر تاخت و گرنه این توده های نا - آگاه بیدار خواهند شد و آنوقت دیگر برای ناخن دبر است و اعلا نه اسباب است ، نه شلاق و نه میدان .

### و ... این چیز تازه ای نیست

لایحه " رسیدگی به جرایم ضد انقلاب " چیز تازه ای را بیان نمیکند و همان نغمه ای را ساز میکنند که بسه گوشه آشناست و در مورد کارگران ، سربازان و درجه - داران ، انقلابیون و ... سالها توسط رژیم سابق بسا بوق و کرنا تکرار شده است .

تنها حرف تازه لایحه اینست که تا حالا همه چیز بنام انقلاب بود . توده ها به تصمیم خود و مطابق منافع خود قانون وضع میکردند و سنتها و قوانین - موجود را در کلیه شئون محکمی به هیچ میگردانند . انقلابیون برای اولین بار فرصت یافته بودند

آگاهی انقلابی را تا حدودی در دسترس توده ها قرار دهند و به تربیت سیاسی آنها پرداخته ، لکه های سیاه نا آگاهی و سوء آگاهی را از ذهن توده ها زدوده و آنها را به منافع واقعی خویش آشنا میساختند . این همه خاطر رسوای محترم رژیم قدیم را در تشکیلات اداری ، ارتش ، پلیس و کارخانجات آزرده میساخت . چتر مطمئن سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را که برای بورژوازی سایه نعمت و قدرت داشت و در زیر آن لمیده و از گزند توده های وحشی در امان میماند ، به کناری زده آفتاب سوزان خشم توده ها را بر سر خانواده بورژوازی و سرکرده بزرگوارش امپریالیسم میتابید ، دیگر بسا است . بی قانونی بسا است . انقلاب بی انقلاب ، ما باید بنام قانون عمل کرد و در این مورد چه قانونی بهتر از قانون رژیم قدیم . کسه امتحان خود را پس داده و در میدان عمل چندو چون خود را نشان داده است . پس :

### برخی از مواد لایحه

● هرکس برای جدا کردن قسمتی از ایران یا لطمه وارد ساختن به تمامیت - بخوان تمامیت - بورژوازی - زی - و یا استقلال - بخوان استقلال بورژوازی در تحمیل منافع خود - کشور قیام و اقدام نماید . بر حسب درجات جرم به کیفر جنائی درجه یک از سه تا ۱۵ سال یا حبس ابد و یا اعدام محکوم میشود . ( ماده ۵ )

در اینکه کسی که نغمه تجزیه طلبی را ساز کند ضد انقلابی و محکوم است حرفی نیست اما مسئله این - جاست ما دیگر به زبان بورژوازی حاکم وارد هستیم . او در همین چند ماه هر خلقی را که " خواستار خود - مختاری واقعی بوده است و با بانک بلند ضحیت خود را با تجزیه طلبی نشان داده است ، با زهم تجزیه طلب ، خوانده است . و با این حساب تمامی خلقهای تحت ستم ، کرد ، ترکمن ، عرب و ... که برای خود مختاری مبارزه میکنند و خود مختاری را تنها راه رفع کامل ستم ملی و جبران عقب ماندگی فاحش و رشد فرهنگ ملی میدانند ، همه به اعدام ، ابد و یا حداقل ۳ - ۱۵ سال محکومند . چرا که همانطور که گفتیم در طول این مدت ۵ صاه و همچنین در طول ۵۰ سال گذشته این خلقها با همیمن افترا سرکوب گردیده و به این جرم متهم شده اند . هر کسی بخواهد به منافع بورژوازی لطمه زند تجزیه طلبی است

● هرکس نظامیان را به الحاق به دشمنان و بسا یا غیان یا به نظامیان متمرکز اغوا و ... ( ماده ۷ ) یعنی نظامیان انقلابی که در طول انقلاب بر علیه نظم ضد خلقی ارتش که چماق سرکوب خلقها بوده شوریدند و در جریان قیام اسلحه بدست در کنار توده ها برای

### محمد رضا سعادت ، محمد جواد حاتمی ، شبیر معیل و ناصر حیاتی را آزاد کنید !

به گرد هم آبی بکشاند . اما دبری نخواهد گذشت که با افشای هرچه بیشتر ماهیت این اعمال فریبکارانه و این مانورهای مزورانه هیچ نیروی واقعا انقلابی - که امروز ممکن است دچار توهم و خوشحالی در مورد این آقایان نباشد دیگر با این فریب کاری ها نیافتد ، گوا اینکه رویزیونیست های توده ای و نظائر آنها و لیبرالهای تسلیم طلب و همدست این آقایان آنجا نیز همراه آقایان خواهند بود .

دارند و با آب و تاب تمام در اسناد رسمی خویش منسک میسازند، ولی هیچ فریادی و ادعائی نمیتوانند این واقعیت را کتمان کنند که رژیمهای ارتجاعی و خد خلقی قادر نیستند بر این ادعاهای واهی جامه عمل بپوشانند. آنچه مهم و تعیین کننده است عبارتست از اصول، شیوهها و اشکالی که بایستی بکار گرفته شود تا ترویج صنعت و کشاورزی و استفاده از علوم و فنون ممکن گردیده تا مین و تضمین شود. در مقطع تاریخی کنونی، ماداره و ملی کردن سرمایه های امپریالیستی، ملی کردن زمین های متعلق به زمین داران بزرگ، ذخایر زیرزمینی (معادن و نفت)، آب و جنگل، ریشه کن ساختن قطعی هرگونه مناسبات و نهادهای ماقبل سرمایه داری (عشایری و...) و گذاشتن زمین در اختیار شوراها یا کارگران کشاورزی و دهقانان، از مهمترین و تعیین کننده ترین اقدامات است.

از طرف دیگر، نفس "ترویج صنعت و کشاورزی" هدف نیست، بلکه بهبود زندگی خلقها و حرکت در جهت محو کامل استثمار فرد از فرد و زندگی فارغ از استثمار در مد نظر بوده. تجلی خواست توده های و منطق بیرونی و منطقی و اجباری تاریخی دوران حاضر میباشد. بر این اساس، ترویج صنعت و کشاورزی از آنجا لازم می آید که به بهبود زندگی خلقها و ادامه تکاملی و پیشرونده حرکت مترقی مزبور، کمک رسانده و لازم آید. میدانیم که در کشورهای غربی و آمریکا، امر صنعت و کشاورزی پیشرفته است ولی آیا این بدان معناست که توده های آنجا و توده های کشورهای تحت سلطه ای که پیشرفت، به بهای مکیدن خون آنها صورت میگردد هم در حال رفاه بوده و در آنجا در جهت محو استثمار فرد از فردا قدا همیشه؟ مسلماً خیر. پس تعیین شکل اساسی و سمت تکاملی مالکیت - و اینکه حرکت آن در جهت تحکیم و گسترش مالکیت اجتماعی، به نفع زحمتکشان است؟ یا در جهت مالکیت خصوصی دولتی و در خدمت سرمایه داران؟ گاه هیبت اساسی دارد. در مرحله کنونی البته ما خواستار لغو مالکیت خصوصی نیستیم بلکه مالکیت اجتماعی صنایع پایه ای و بزرگ و انحصاری، مالکیت اجتماعی اراضی متعلق به زمینداران بزرگ، ذخایر زیرزمینی، آب و جنگل، بانکها، راه آهن و موسسات بزرگ بازرگانی و موسسات عام المنفعه... مالکیتی که در دست دولت زحمتکشان باشد، مورد نظر است.

اما اصل ۸ متن "پیشنهادی" دوپهلوی و ناروشتن است، به نحوی که در حرف هم برای سرمایه داران بزرگ و وابسته به امپریالیسم و فئودالها و هم برای کارگران، دهقانان و توده های زحمتکشان قابل قبول باشد. نه به فئودالها و سرمایه داران و عمال وابسته به امپریالیسم "ظلم" شود و نه ظاهراً به کارگران، دهقانان و توده های زحمتکش، یعنی نه سیخ بسوزد و نه کباب.

تاریخ گواهی میدهد که تمام کوششهای از این نوع در خدمت منافع استثمارگران و ادامه شیوه های قبلی بهره کشی، منتهی در فالی قابل قبول تر، و وسیله ای برای فریب توده ها و پوشاندن واقعیات از انظار مردم بوده است. امروز دیگر روشن گردیده که نمیتوان بین دو ضدلیت تشویش و پلای بود برای ارتباط و آشتی دو قطبی که در یک سوی آن انبوه استثمار - شونداگان و محروم از همه چیز و در سوی دیگر اقلیت استثمارگر و غنی قرار گرفته است. نمیتوان با ذکر "رعایت موازین اعتقادی اسلام" بدون اقامه دلیل خود را از زیر بار موضوع، خلاصی داد. اینجاست سرنوشت انقلاب در میان است و اساساً نه زندگی ملت برای یک دوره طولانی تدوین میگردد. با منافع توده ها یعنی اکثریت و با منافع بالاسری ها یعنی اقلیت نه هر دو. بلکه فقط یکی از این دو. اصل "پیشنهادی" فوق با ظاهر عامه پسند در واقع طرف دوم را گرفته است، اما شریک است که موضع خود را واضح و صریح روشن نماید زیرا به توده ها به عنوان گوشت دم چوب و وسیله بهره دهنده نیاز دارد، همان کاریکه در تمام طول تاریخ جوامع طبقاتی صورت گرفته است. موازین اقتصادی اسلام بایستی صریحاً روشن گردد چرا که از این موازین برداشتهای متفاوت و متضادی میشود. نیرو - های مترقی و رادیکال مذهبی بر حدیث معروف "الارض لمن یفعلها" - زمین از آن کسی است که آنرا میکشاند. استناد کرده و موضع و ادوگاه خود را مشخص میسازند و در همین حین دولت (دولتی که به گفته خویش، بر اساس اسلام عمل میکند) به طرفداری از

کردن ربا (تحت عنوان بیع و دست بدست کردن و...) وجود دارد یا احکام مربوط به مزارع و مساقات (احکام شرعی حاکم بر روابط مالک و زارع) که جز در چهارچوب نظام فئودالی نیست همگی بر پایه - معنویت و اخلاق اسلامی نهاده شده است؟ بدین ترتیب در این اصل، سخن گفتن از معنویات و اخلاق جز برای مخفی کردن چنگال حریص سرمایه داران که منحصراً استثمارر بیشتر زحمتکشان هستند نمیشد.

در اصل ۵ از تساوی "همه اقوام از قبیل فارس، ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن" و عدم امتیاز یکی بر دیگری یاد شده است. باید گفت این جمله بجزودی خود و در ظاهر مفهومی مترقی را در بردارد. اما در اینجا موضوع بسیار مهم و تعیین کننده ای ناگفته مانده و آن عبارتست از "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش"، که باید مورد شناسائی قرار گرفته و تا مین و تضمین گردد. تساوی همه ملل، رفیع تعدیات و ستم ملی، تنها در صورت آزادی ملیتها در تعیین شیوه زندگی خود ممکن میشود. با این شرط است که خلقها ایستگار و خلابنشان رشد کرده و بسه تحقیر و ستم ملی خاتمه میدهند. نتیجه اینکه از تساوی ملل گفتن، بدون قائل شدن حق تعیین سرنوشت در چهارچوب یک ایران مستقل برای آنان سخنی است خالی از محتوا، که نه فقط حقانیت تاریخی ندارد، بلکه خود عاملی است در راه تقویت جریان های

### چرا اشاره ای به مصادره سرمایه های امپریالیستی و وابسته نشده است؟

فد انقلابی تجزیه طلبانه. خلقهای ایران نه تنها آنطور که در اصل ۲۱ آمده در استفاده از زبانهای محلی در مطبوعات و مدارس محلی آزاد و محق میباشند بلکه این حق مسلم آنهاست که زندگی اقتصادی، سیاسی و... خود را بر حسب نیازها و ضرورتهای ملی و محلی خویش سازمان دهند و این حق توده ها و تنها فاعل آزادی و بهبودی زندگی آنهاست. خلقهای ایران در طول انقلاب پسر - شره اخیر نشان داده اند که خواستار اتحاد برادرانه و آزادانه با یکدیگر در چهارچوب ایران واحد هستند و این اتحاد، مؤثرترین شیوه و کوتاه ترین راه بشون آزادی و محو ستم و استثمار در تمام شئون زندگی میباشد. بهمین جهت اصل مربوط به ملل ایرانی، میباشد که "حق خودمختاری" را برای خلقهای ایران به رسمیت بشناسد و این خود مختاری منحصر به زمینه فرهنگی (آنهم تازه نیم بند) هم نباید باشد. حکومتها ی خودمختار تنها در زمینه های نظامی (ونه اشتغالی)، سیاست خارجی و هماهنگی برنامه های خود با برنامه های سراسری، بخصوص در زمینه رهبری، تنظیم و اجرای سیاست اجتماعی و اقتصادی واحد - هماهنگی که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است - تابع حکومت مرکزی میباشد و تصمیم گیری درباره مسائل ملی و محلی کاملاً به عهده خود خلقهاست. در مسائل مربوط به دفاع از میهن، تغییر حدود و شعور کشور و هریک از استان - های خود مختار، برنامه ریزی، تنظیم و اجرائی سیاست اجتماعی و اقتصادی واحد در سراسر کشور به عهده حکومت مرکزی بوده و خلقها از طریق نمایندگی خود در دستگاه عالی مرکزی در اداره امور کشور شرکت میکنند. بدین طریق است که راه بر تجزیه طلبی که صرفاً به نفع ارتجاع و امپریالیسم است بسته میماند. در مراجع مجدد به مسئله حقوق فرهنگی باید گفت که دولت مرکزی نه آنطور که در متن "پیشنهادی" (اصل ۲۱) مطرح شده که "استفاده از زبان محلی در مدارس آزاد است" بلکه دولت موظف است در جهت تقویت زبان و فرهنگ فارسی بعنوان زبان مشترک امکانات رشد و غنای فرهنگ ملی را هرچه بیشتر فراهم آورده و حق تدریس به زبان محلی، در نواحی مسکونی ملل مختلف را برسمیت شناخته و آنرا تضمین نماید.

اصل ۸ از ترویج صنعت و کشاورزی بومی با رعایت کامل موازین اعتقادی اسلام و در عین حال استفاده از همه علوم و فنون پیشرفته جهان در امر صنعت و کشاورزی سخن میگوید. امر ترویج صنعت و کشاورزی و استفاده از همه علوم و فنون... واقعبینی است بروشنی روز. همه رژیمهای جهان حتی ارتجاعی ترین و ضد خلقی ترین آنها از نوع رژیم پهلوی و آفریقای جنوبی و رژیمهای آمریکای لاتین و... در حرف اصل بالا را قبول

ادامه از صفحه اول ارتجاع و دیکتاتوری و... قیام کرده اند. بدین ترتیب متن "پیشنهادی" قانون اساسی درست آن چیزی را "فراوش" میکند و از روی آن بی خیالانه و با چشمان باز میبیرد که علت وجودی تدوین همین قانون است. قانون اساسی پیشنهادی همانند طفلی است که مهر و نشان والدین اصلی خود را ندارد و یا سعی شده است که این مهر و نشان را نداشته باشد. در این قانون، خونیهای خلقها و در یک کلام کلیت انقلاب توده ها، بهیچ گرفته شده است. این سند میخاوه در روی تلاشهای دیوانه واری که از طرف بورژوازی حاکم و همدستان وی جهت تغییر مسیر انقلاب و نهادن اسم و نشان خود بر پیکر انقلاب، در دوران بعد از قیام صورت گرفت، جنبه رسمی و قانونی بدهد. برای مثال و بر طبق اصل ۶ "اعطای امتیاز انحصار در امور تجارتي و کشاورزی و معادن" را از طرف مجلس شورای ملی مجاز میداند!

اصل ۳ "آراء عمومی را مبنای حکومت میداند. اما به این نکته بسیار اساسی و مهم نمی پردازد (نمیتواند بپردازد!) که قدرت سیاسی متعلق به کدام طبقه یا طبقات و رهبری از آن کدام طبقه است؟ و بالاخره این قدرت سیاسی یا حکومت در خدمت منافع و خواستهای کدام طبقه خواهد بود. عدم ذکر این مسئله از سر فراوشی نسبت بلکه از ماهیت بورژوازی طراحان این متن مایه منگیسرد، همان ماهیتی که با شعار "آزادی، برابری، برادری" در گذشته به میدان میآمد و پس از نشستن بر کرسی قدرت، قانون سیاه کار نالیثونی را برای استثمار هرچه بیشتر کارگران تنظیم میکرد. کارگران و دهقانان و زحمتکشان که بار اساسی انقلاب کیبیر فرانسه را بر دوش داشتند و خونها دادند، پس از غلب قدرت از طرف بورژوازی، سرها و دستهای خود را زیر گیوتین او دیدند. این حکم مسلم تاریخ در انقلاب مشروطیت هم تکرار شد، سازش بورژوازی لیبرال و فئودالها با امپریالیسم دست آورده های انقلاب را به نفع فد انقلاب فصب کرد و ستار خانها و توده های زحمتکش و انقلابی را از صحنه بیرون ریخت. در یک کلام، اگر قدرت سیاسی بدست زحمتکشان و در راس آنها طبقه کارگر نبوده در دست بورژوازی باشد، تکرار این فاجعه ها ناگزیر است. بورژوازی همیشه و در همه جای دنیا همواره حکومت خود را، خلقی و متعلق به عموم مردم قلمداد میکند ولی در اصل همان روابط و مناسبات استثمارگرانه سابق را منتهی در اشکالی "نو" و حتی شدیدتر از قبل تکرار میکند.

در اصل ۴ "مبنای روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را "معنویت و اخلاق" میدانند. او لا کدام معنویت و اخلاق؟ معنویت و اخلاق فلان سرمایه دار وابسته و یا معنویت و اخلاق کارگر زحمتکش، معنویت و اخلاق یک حاجی صاحب کارخانه یا تاجارخانه؟

### مگر می توان با وجود مالکیت خصوصی، از نفی استثمار حرف زد

با معنویت و اخلاق فلان کارگر یا فروشنده خرده پا؟ معنویت و اخلاق فلان زمین دار و باغدار بزرگ که با پرداخت زکات و وجوه شرعی و برخی خیرات و صدقات، خانه آخرش را هم آباد میکند یا معنویت و اخلاق فلان کشاورز که همیشه قسمت اعظم یا کلیه محصول خرمش را باید به زمیندار و بانکدار نزول خوار و... یا کسان دیگر بعنوان بدهی پرداخت نماید؟ ثنیا اینکه مبنای روابط اجتماعی سیاسی و اقتصادی را معنویات و اخلاق بدانیم، خود امری ضد علمی است. مبنای روابط اجتماعی، بر اساس تولید و شیوه تولید تعیین میشود خود تعیین کننده تمامی روابطی است که در اجتماع پدید میاید. تولید یا بر پایه مالکیت خصوصی ابزار تولید استوار است یا بر پایه مالکیت اجتماعی ابزار تولید. طراحان قانون اساسی درست به منظور فرار از این حقیقت، از معنویت و اخلاق اسلامی سخن گفته اند. همینجا این سوال را بطور حاشیه ای میتوان پرسید که آیا قوانینی که در اغلب رساله های علمیه "مراجع تقلید و سنت متبعه فقها و متدینین در مورد حلال



مالکین و فئودالها برخاسته و دهقانان و بزرگانی را که اقدام به مصادره و در واقع پس گرفتن زمین‌های غصبی از زمینداران بزرگ و فئودالها میکنند، به عنوان "مد انقلابی" معرفی کرده و محکوم و تهدید مینماید.

## ● اصل ۹ موضعگیری راجع به مسئله مالکیت:

آشکارترین و در عین حال اساسی ترین مسئله‌ای که ادعاهای مدعیان حمایت از "مستضعفین" را افسانه میکند و نشان میدهد که آنها در پس پرده شعارها و الفاظ ظاهری فریب خود مدافع چه طبقه و اقلیتی هستند همانا موضع تهیه کنندگان متن "پیشنهادی" در مقابل مسئله مالکیت میباشد. در اصل ۹ میگوید "هیچکس نمیتواند به عنوان مالکیت رسمی و کار خود امکان سعی و کار را از دیگری سلب کند. امکان کار و کوشش برای همه ساد جان فراهم گردد که هیچکس مورد بهره‌کشی و استثمار دیگران قرار نگیرد." این چیزی جز کوسه ریش پهن نیست. اگر مالکیت خصوصی را به رسمیت شناختی دیگر چگونه جلوی استثمار را میگیری؟ از نظر واضعین "پیشنهاد" آنچه میهم بوده همان مالکیت و حفظ منافع سرمایه‌داران است و بهمین دلیل، این با صلاح جلوگیری از استثمار را اینچنین تطبیق به محال میکند. تقدیس مالکیت بطور کلی (اصل‌های ۹ و ۴۱ و ۴۷) و دفاع از مالکیت‌های بزرگ و حتی آوردن عباراتی در قانون اساسی "پیشنهادی" برای راحتی خاطر سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و طبعا محترم! (وابسته و غیر وابسته) نشان میدهد که قدرتمندان کنونی و منجمله دولت‌ها چه کسانی دفاع میکنند در مقابل چه کسانی ایستاده‌اند. اصل ۴۷ میگوید: "مالکیت خصوصی در صنایع، کشاورزی و بازرگانی در صورتیکه وسیله ضرر یا تجاوز به منافع عمومی شود با تصویب مجلس شورای ملی، ملی اعلام میگردد."

اولا سرمایه‌داران را راحت میکند که امکان مالکیت خصوصی در صنایع، کشاورزی و بازرگانی دارند، و قانونا مورد حمایت‌اند. تنها اگر وسیله ضرر به منافع عمومی شوند... ملی میگردد. واقعا چقدر زورخانه میگویند را برای توجیه استثمار و جابجایی حقوق زحمتکاران با زنگ دارد. آخر کدام سرمایه‌داری خصوصی در صنایع و کشاورزی و بازرگانی هست که ملازم با استثمار صدها و هزارها کارگر و دهقان و... زحمتکش نباشد که میگویند: اگر وسیله ضرر باشد. به عبارت دیگر میگویند مالکیت کارخانه‌ها میتواند وسیله ضرر هم نباشد، و دم خروس همینجاست.

ما مخالفان یگانه توزیر و ریا کاری هستیم، ما آشکارا گفته‌ایم و میگوئیم که در مرحله کنونی انقلاب (مرحله انقلاب دمکراتیک) مالکیت خصوصی (مستقل و ملی) قابل قبول است. و همچنین آشکارا اعلام میکنیم که در این مرحله نمیتوان استثمار فرد از فرد را از بین برد، بلکه فقط میتوان آنرا تعدیل کرد. اما هم لغو مالکیت خصوصی و هم استثمار فرد از فرد در مرحله دیگر انقلاب، یعنی انقلاب سوسیالیستی عملی و ممکن میشود. و بر این اساس زحمتکاران پس از موفقیت در به سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک برای عملی ساختن هدفهای انقلاب سوسیالیستی بسیج میشوند و در واقع پیشرفت انقلاب ادامه مینماید. اما بورژوازی نمیتواند این چنین صریح و واضح حرف بزند. بطور مثال از نظر سرمایه‌داری حاکم ایران، در حال حاضر همه چیز تمام شده است، از نظر او نه پیشرفت انقلاب بلکه پس رفت مطرح است. از نظر او نه بهرآنجام رساندن انقلاب دمکراتیک و ضربه نهایی به امپریالیسم برای رسیدن به سوسیالیسم بلکه بر عکس چانه زدن برای باز پس گیری سوسیالیسم از آنچه را که توده‌ها با خون خود بدست آورده‌اند مطرح است. بنا بر این او و همدستانش تلاش میکنند این توهم را در توده‌ها به وجود آورند که گویا استثمار فرد از فرد (که بسه تعبیری جز زبان رساندن فردی به فرد دیگر نیست) نیز میتواند در شرایط کنونی وجود داشته باشد! بنا بر این مجبور است که دوپهلوی و عوام‌فريبانه صحبت کند!

بنا بر این وقتی اصل احترام به مالکیت و بقای همیشگی آن در قانون اساسی وجود داشته باشد و از مصادره اموال و املاک سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ بشفق زحمتکاران، سخنی هم در میان نباشد، دیگر "مستضعفین، مستضعفین" گفتن و شعارهای توخالی و فریبکارانه سردادن، توان پوشاندن ماهیت واقعی

دولت و منابع قدرت را ندارد. احترام به مالکیت خصوصی، احترام به استثمار فرد از فرد را هم در بر دارد، چونکه اساسا استثمار همان مالکیت خصوصی است و الفاء آن به استثمار فرد از فرد با بیان می‌بخشد. همانطور که اشاره کردیم ذکر مطلب فوق بدین معنا نیست که در صورتیکه پرولتاریا رهبری انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی مبین ما را به عهده داشت مالکیت خصوصی را ملغی میکرد. خیر. انقلاب دمکراتیک اگرچه پرولتاریا رهبر آن باشد، ماهیتا یک انقلاب بورژوازی است و بخاطر شریک و سهیم بودن اقشار و طبقات خلقی (سوی پرولتاریا) در این انقلاب، اصولا الفاء مالکیت خصوصی و از بین بردن استثمار انسان از انسان مقدور نیست. ولی در قانون اساسی اسکله رهبری پرولتاریا پس از پیروزی یک انقلاب دمکراتیک تدوین میشود، سمت و جهت آن سوسیالیسم و الفاء مالکیت خصوصی بر ابزار تولید است و بنا بر این در چنین قانونی و برای پاسخگویی به خواست توده‌های زحمتکش و آماده ساختن زمینه عینی برای پیروی به سوی سوسیالیسم، کلیه صنایع وابسته و بزرگ، بانکها و... بدون پرداخت کوچکترین غرامتی - مصادره و ملی میشود. (اما اصل ۴۱ می‌گوید: هیچ ملکی را نمیتوان به عنوان نیاز عمومی از صاحب گرفت مگر با تصویب قانون و پرداخت قسمت عادلانه آن) زمینهای ملاکین بزرگمادریه و زمین دهقانان

## ● چرا راه را برای اعطاء امتیاز انحصاری در زمینه‌های مختلف باز کرده‌اند؟

کمزمین تقسیم می‌گردد. درحالیکه قانون اساسی "پیشنهادی" دولت "انقلابی" اساسا با چنین نگرشی به مسئله مالکیت، بیگانه است و بیا بهتر بگوئیم کاملا در نقطه مقابل آن قرار دارد. همانطور که قبلا اشاره کرده‌ایم. این موضوع را مثلا در اصل‌های ۴۱ و ۴۷ قانون اساسی "پیشنهادی" میتوان مشاهده کرد که "جانانه" از مالکیت (بزرگ و کوچک وابسته و غیر وابسته) ایستاده است. البته بخوردی اینگونه با مسئله مالکیت از طرف دولت و منابع قدرت، با توجه به ماهیت آنها به هیچ وجه برای نیروهای انقلابی و آگاه عجیب و غیر نظره نبوده و نیست. حکومتی که در عمل با کمال به سرمایه‌داران وابسته و در خواست و تمنا آوازه برای بازگشت و ادامه چپاولگری و نیز با دفاع از زمینداران بزرگ و فئودالها و خانهای مرتجع در مقابل دهقانان زحمتکش ما و... موضع طبقاتی خود را بوضوح نشان داده است، نمیتواند چیزی غیر از این متن "پیشنهادی" را بعنوان قانون اساسی به مردم ما عرضه کند.

● اصل ۱۰ میگوید: "جمهوری اسلامی ایران باید امکان آموزش و پرورش را برای همه مردم کشور بطور یکسان فراهم کند". اما به اجباری و رایگان بودن آموزش ابتدائی و نیز به رایگان بودن سراسر دوره تحصیلی تادانشگاه (که حتی در کشورهای نظیر لیبی، عراق و سوریه هم معمول است) اشاره‌ای نرفته است. واقعا چرا؟ آیا علت این بوده که واضعین متن "پیشنهادی" تحصیل عالی را نشنیده بوده‌اند؟ خیر. آیا دولت بودجه ندارد؟ خیر، بورژوازی حاکم ایران که حتی خملت مترقی اسلاف گذشته خویش را ندارد، بطور غریزی تعمیم سواد و آموزش همگانی را که یک حق برای هر شهروند تلقی میشود - به زبان خود می‌بیند. هم اکنون بیش از نیمی از جمعیت کشور ما بی سواد و کودکان خردسال خانواده‌های فقیر کارگر و دهقان مجبورند برای به عهده گرفتن سهمی در تامین مخارج خانواده، میزهای مدرسه را (اگر باشد) رها کرده در دخمه‌های تاریک و نمناک کارگاه‌های قالبیافی یا بدنبال درو و یا در شالیزارها نیروی جوانی خود را تباه سازند و یا نیروی کار خود را به بیای ناچیز، پیش پای سرمایه‌داران ببرزند. آری این وضع جز نتیجه حاکمیت بورژوازی و استثمارگران نیست و تا حاکمیت بورژوازی در کار است نتیجه همین خواهد بود. بیست و شش سال گذشته، بورژوازی علیرغم هرا دعای خیرخواهانه و مردم دوستانه، جزیتحکیم استثماررئمی - تواند بیندیشد.

در اصل ۱۱ از اهمیت خانواده سخن میگوید. اما از حق متساوی زوجین در ادامه با فسخ عقد زنا شویی سخن نگفته و با عباراتی که بنامش کودکان دبستان مینماید تلویحا قانون حمایت خانواده را که حتی رژیم شاه بنا

بضرورت تاریخی و تحت فشار مبارزه مردم، بخصوص خود زنان پذیرفته بود، نادیده منگبردمقدمات الفاء آنرا فراهم نماند. البته مقامات صاحب قدرت امروز منتظر نما شده‌اند و چندی پیش کمیته انقلاب اسلامی تهران حکم تلاق (حقوق) بدست مرد را صحت دارد (رجوع کنید به بیکار شماره ۶).

● در اصل ۱۲ آنجا که مبیایست به موضع قانونا - سی درباره مساله زنان و حقوق و مسئولیتهای آنان بپردازد و معلوم کند که زنان جامعه ما چه دستاوردی از انقلاب دارند و تقصیر و ستمی که در طول قرنهای تاریخ، بخاطر همین زن بودن برآنها روا داشته شده است، چگونه ادوشت آنها برداشته خواهد شد، تنها به تقدیس امر مادری مینماید. که هرچند بجای خود صحیح است اما هرگز بیاینگر حقوق کامل زنان بعنوان یک انسان دارای حقوق متساوی با مردنمیشد و معلوم نیست مسئولیت‌هایی که زن بنا بر همین اصل ۱۲ در جامعه انقلابی اسلامی بعهده دارد، آیا همان مسئولیت وقتی است که در چهار چوب قوانین شرعی و عرفی موجود تعیین شده است؟ از حق تسلط و سرپرستی مرد بر زن گرفته تا سهم مرد که در ارث دو برابر زن است، با گواهی دوزن که معادل گواهی یک مرد در دادگاه است یا حق تفاوت نداشتن زن با حق تلاق بکفره یا... با...  
● در فصل پنجم، درباره حقوق ملت، از حقوق زیر هیچ ذکری بمیان نیامده است:

الف - هیچگونه اشاره‌ای به "حق هر شهروند در داشتن کار در برابر برتری که مناسب با کمیت و کیفیت کار انجام شده باشد" نشده است. در اصل ۲۸ تنها از حق گزینش شغل سخن مینماید، نه حق داشتن کار و...  
ب - در سراسر این فصل که حقوق ملت را مشخص میکند، از "حق خلق در مشارکت فعال در ساختمان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و امر کنترل دولت به مثابه ضرورت انقلاب" سخنی بمیان نیامده است.  
پ - از حق اعتصاب هم حرفی زده نشده است.

ت - از این حق شهروندان که دولت باید از د و ران مادری، کودکی، جوانی و سالخوردگی آنها به موجب سیاست خاص و بوسیله تاسیسات ویژه حمایت کند، سخنی بمیان نیامده است.  
ث - از حق هر شهروند در داشتن مسکن سخنی بمیان نیامده، امری که در بسیاری از کشورهای کهنه قدمیهای اساسی در جهت تامین منافع مردم برداشته‌اند برسمیت شناخته شده است. حتی در کشور تازه ازبند رستهای نظیر لیبی داشتن مسکن مناسب حق هر فرد محسوب میشود. در اجرای همین سیاست، دولت اجازه داری خانه را بکلی ملغی کرده با شعار "الیهت لاکنه" - خانه متعلق به کسی است که در آن نشسته است - گام بلندی در محدود کردن منافع مفتخوران و در تامین حقوق مردم برداشته است. اصولا حق مسکن مناسب از ابتدائی ترین حقوق یک انسان است. انسان نه پرنده است که در هوا بپروند و روی درخت لانه کند و نه ماهی که در دریا زندگی کند. در جواب کودکی که بدینجا

## ● چگونه زنان میتوانند از حق تساوی حقوق با مردان برخوردار باشند؟

میاید نمیتوان گفت که تو مسکن نداری چون این خانه‌ها را قبل از تو دیگران خریده و به مالکیت خویش درآورده‌اند. او حق دارد خانه‌ای داشته باشد و نباید بابت این حق دیناری بپردازد. اگر قبول داریم او انسان است باید از حق مسکن برخوردار باشد. این حق را یک قانون اساسی انقلابی تضمین میکند.  
ج - از ضرورت با سواد کردن بزرگسالانی که در شرایط گذشته و بخاطر کار و زحمتی که از کودکی بعهده شان بوده و از تحصیل محروم مانده‌اند سخنی بمیان نیامده است.  
چ - از حق فعالیت آزاد علمی و هنری خلق حرفی زده است.  
ح - از حق انتخاب کنندگان در عزل نمایندگان انتخاب شده خودشان چیزی گفته نشده است.

● ● ●  
در اینجا بهمین نگاه اجمالی به برخی از مواد مهم پیش نویس قانون اساسی، اکتفا میکنم هرچند که مطلب مهم بسیاری ناگفته مانده است که امیدواریم در آینده بدانها بپردازیم. ■

### چه کسی دروغ می گوید ، کارگران انقلابی یا کارفرمای ضد انقلابی ؟

# اخبار کارگری

## گرامی باد چهارمین سالگرد اعتصاب خونین و پرشکوه کارگران نساجی شماره ۴ قائمشهر (شاهی سابق)

کارگران ایران در طی ۲۰ سال مبارزه بی اسان خودبر علیه استثمار و بهره کشی سرمایه داری ، سلطه و نفوذ امپریالیسم و دیکتاتوری ، صفحات درخشان بی- شماری از فداکاری ، جانبازی و وفاداری به آرمان- زحمتکشان بر تاریخ مبارزاتی خلقهای ایران افزوده اند . کارگران ایران گذشته از اینکه در مبارزات سیاه سی برای رهایی کشور از یوغ سلطه و نفوذ امپریالیسم در کنار خلقهای ایران و در پیشاپیش این لشکر عظیم گام برداشته و دلوریها نشان داده اند ، بلکه در مبارزات طبقاتی جهت بهبود وضع زندگی و گرفتن حقوق مسلم خود از چنگال سرمایه داران زالو مفت که با رژیم منفور پهلوی و مزدوران لبلس و زاندارم و ساواک و . . . اتحادنا مقدسی بر قرار کرده ، به استثمار و بهره کشی بیرحمانه از کارگران پرداخته بودند ، مبارزات ثابان توجهی ننموده اند .

این مبارزات همواره با خشونت بیرحمانه رژیم مواجه شده و جواب خواستهای منصفی و حقوقی کارگران با گلوله های سربین و داغ ، شکنجه و اخراج داده شده است . اعتصاب ۷ تیر ۵۴ کارگران نساجی قائمشهر یکی از این ستاره های درخشان آسمان پر ستاره مبارزات کارگران قهرمان و وطنمان است . اعتصاب ساعت ۱/۵ بعدازظهر از قسمت بافنده شروع شد . خواست کارگران گرفتن ۲۰ درصد کل سود - امری که قوانین ضد کارگری رژیم برسمت شناخته و بدان افتخار می کرد - بود . اعتصاب در شرایطی آغاز گشت که بر طبق معمول مذاکرات با روسای محترم ! بی فایده از آب در آمد . اعتصاب کارگران - این تنها حربه موثر و در ضمن آخرین حربه - اینبار نیز با حرکت ماشه ها مواجه گشت و ساعت ۹/۵ شب ۸ تیر وقتی کارگران شیفت ۳ برای گرفتن پست کار از کارگران شیفت ۲ به محل کار میامدند ، شلیک گلوله ها به بدنهای کارگران و دانشجویان - محصلین و توده هایی که برای حمایت از کارگران در محل اعتصاب جمع شده بودند - شروع شد ، توده ها با سنگ به مقابله گسولسه شتافتند و نبرد نا برابر تا پاسی از شب ادامه یافت . حاصل این نبرد چندین شهید ، زخمی و دستگیری و اخراج کارگران بیشتر بود . اعتصاب کارگران نساجی همانند اکثر مبارزات منصفی کارگران چشم اسفندیاری داشت که به خصم امکان میداد و مقاومت را در هم شکنند ، بخون کشد و بی جواب گذارد . این ضعف عبارت بود از عدم تشکیل کافی کارگران و فقدان یک رهبری مبتکر و خلاق در جریان اعتصاب و دشمن با استفاده از همین ضعف اساسی بود که این اعتصاب را نیز همچون بسیاری دیگر از اعتصابات طلبانه به شکست کشا نید . . .

اما برولناکیا یک طبقه پیش رونده و تاریخ ساز است و هیچ گونه شکستی برای او جنبه دراز مدت ندارد ، بر عکس با تجربه گیری از هر شکست و پیروزی کوچک ، او اندوخته عظیمی را برای به شمراندن انقلاب دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی ، می اندوزد . بهمین لحاظ است که لنین پیشوای بزرگ کارگران گفت : "اعتصاب مدرسه جنگ است" ، جنگ با ستم و جنگ با استثمار .

## اعلامیه کارگران پروژه های (فصلی) آبادان و حومه

بسمه تعالی  
تاریخ ۵۸/۳/۳۱  
"کارگری پیروز است  
هنوز خون فرزندان این سرزمین که حماسه آفریدند و هنوز شعار "درد بر کارگرفت ما" میازد دلیر سرسخت مس" از خاطره ها و یاد هاترفته که دستهای مشکوک فرزندان دلیر ننگر مارا به صلابه میکشند ارتجاع و امپریالیسم که دیرزید ست برومند همین دلیران شاهزگمان قطع شد بود ، در فکر انتقام از این کارگران هستند و این نشانه بازگشت به وضع سابق است . هم زنجیران کارگرم! ناصرحیاتی ، شیرمعیل و جواد خانی که روزی در سپاه چالهای محمد رضاشاهی روزگار گذراندند و در جهان مبارزات مردم ، اعتصابات قهرمانانه ننگران را که منجر به سقوط رژیم منفور و وابسته شد ، رهبری کردند ، در شرایط کنونی از طریق افراد کمیته های اهواز جلب و اینک در زندان بسر میبرند ، همان زندانیان کسه

میرساند چون کارهای تاسیساتی مورد قرارداد این شرکت با شرکت های ساختمانی هدیشا ترک ماروند راه ، شاهساران بطور دست دوم میباشد و کارفرما ( نیروی دریائی ) از سه ماه قبل پروژه های در دست اجرا را بحال رکود در آورده نتیجتا وجه صورت و ضمانتهای کارکرد این شرکت تا بحال پرداخت نگردیده و شرکت های نامبرده بحالت تعطیل و توقف میباشند اکنون تا شروع مجدد کلیه کارگهای تعامیلی - گردد فقط نگهبان و انبار دار برای حفظ اموال شرکت انجام و ایفای مینمایند .  
مدیر عامل - ناصری

نامه فوق بهترین سند برای اثبات توطئه های ضد انقلابی و ضد کارگری کارفرمای تکنوکرات است و هر محکمه عادلانه با ملاحظه سند فوق و اسنادی دیگر حکم به ضد انقلابی بودن کارفرمای تکنوکرات میدهد ولی اتحاد و هم بستگی و آگاهی و تشکل ما کارگران همه توائه های ضد انقلابی و ضد کارگری کارفرما را نقد بر آب کرد و ما کارگران همچون تنی واحد ما نمند کوهی در برابر اقدامات زبون و توطئه آمیز کار فرما ایستاده ایم . سند دیگری که نشان دهنده ماهیت سرا پا دروغ و توطئه آمیز کارفرما است سند مربوط به حق بیمه است . ( نقل از متن اصلی ) ۱۳۵۸/۳/۲۶ سازمان بیمه های اجتماعی شماره ۴۲۶-۱۳۵۸ بدینوسیله اعلام میگردد شرکت تکنوکرات از تاریخ فروردین ۵۷ لغایت آذرماه ۵۷ لیست کارگران را بدون پرداخت حق بیمه ارسال نموده و غنما از دیماه ۵۷ به بعد از ارسال لیست کارگران و پرداخت حق بیمه خودداری نموده است . شعبه شماره ۱۷ تهران قسمت درآمد - همایون

نپرداختن حق بیمه از طرف کارفرما علاوه بر اینکه باعث شد کارگران متاهل کارخانه ما از حق ازدواج بهره مند نشوند مشکلات بسیار دیگری برای کارگران در رابطه با بیمه ایجاد کرد . اتحاد و آگاهی ما کارگران باعث ضعف و زبونی کارفرما شده است . اگر دو سند فوق برای اثبات ضدانقلابی بودن کارفرما ، صحت گفته های ما کارگران کافی نیست - خود اصرار ورزد ما با بازگو کردن حقایق بسیار دیگری از اعمال وی او را مجبور می کنیم که برای همیشه نزد اربابان آلمانی خود بر گردد .  
با امید روزی که همه کارگران و زحمتکشان میهنمان متحد و مصمم و با آگاهی کامل حساب همه سرمایه داران خارجی و عمالشان را تصفیه کنند .

### کارگران کارخانه تکنوکرات

- ۱- مؤن ، کمیته زنان ماشین سازی و ۱۰۰ که با استقبال سایر کارگران مواجه می شوند .
- ۲- خواستهای کارگران در این مرحله عمدتا اینها بودند :
  - ۱- افزایش دستمزد .
  - ۲- رسمی کردن کارگران ( که بصورت پیمانی هستند ) .
  - ۳- بیمه درمانی کردن .
  - ۴- پرداخت سود و ویژه
  - ۵- دادن غذای مجانی ( نهار )
  - ۶- تقلیل ساعت کار به ۸ ساعت .
  - ۷- دادن حق مسکن ، حق خوابگاه و حق اولاد و . . .
- کار فرما در اثر پافشاری کارگران مجبور به باز کردن در کارخانه میشود و در تاریخ ۵۸/۳/۱۲ کارگران به کارخانه رفته ولی دست از کار کشیده و اعتصاب را شروع میکنند . کار فرما حاضر میشود به یکسری خواستهای کارگران بقبولد از خواست اول ( افزایش دستمزد ) جواب بدهد ولی کارگران قبول نکرده و به اعتصاب ادامه میدهند ، تا اینکه روز شنبه ۵۸/۳/۲۰ کارفرما بین کارگران تفرقه می اندازد و بسا اخراج روتن از نمایندگان کارگران را مجبور به کار کردن میکند و طبق معمول ، وعده کارفرما نیز در مورد تحقق یکسری از خواستها ، دروغ و تو خالی از آب در آمد .

### هموطنان مبارز!

کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران ، تهران شعبه ۱۳۴۹ خیابان کارگر (امیر) آباد جنوبی سابق کواریز نمائید .

مدیر عامل مهندس تکنوکرات توضیحی در روزنامه پیغام امروز دوشنبه ۱۳۵۸/۳/۲۸ شماره ۸۴ منتشر و مدعی شده که اعلامیه کارگران تکنوکرات تحت عنوان " ما را بسا کارفرمای ضد انقلابی اعتبار نگیرید" با واقعیت تطبیق ندارد . مثلی است معروف که میگویی کارفرما همه را بسه کیتر خود بندارد . کارفرمای ما نیز از آنجا کسدر زندگی به جز مفت خوری و دروغ گوئی کار دیگری ندارد . کارگران زحمتکار و انقلابی کارخانه را به دروغ گوئی متهم کرده است . مدیر عامل تکنوکرات در پایان یادداشت خود نوشته است : امیداست مرجعی برای بررسی و صحت و سقم مسائل عنوان شده نخلت نماید . به نظر ما تنها مرجع صلاحیت دار برای رسیدگی به ادعاهای دروغین کارفرمای تکنوکرات وجدان بیدار و انقلابی کارگران این کارخانه و همه زحمتکشان است که قلبان برای پیروزی کامل و انقلاب و آزاد شدن کارگران از قید و بند سرمایه های امپریالیستی و نوکران آنها می تید . کسانی صلاحیت رسیدگی به چپاولگری ها و حق کثی های کارفرما را دارند که برای انقلاب زحمت کشیده و مبارزه کرده اند . کارفرمای تکنوکرات که به تازگی از پیش اربابان آلمانی خود برای بهره کشی مجدد از ما " فیلتر یاد هندوستان" کرده و به ایران برگشته است و فرصت طلبانه نقصاب انقلابی به چهره خونزده و فکرمی کند که میتواند همه را فریب دهد . برای ما کارگران خنده آور است که کسی امروز ادعای انقلابی بودن می کند که ماهها قبل از قیام بسا شکوه بهمین ماه از ترس جان خویش از ایران فرار کرده و نزد اربابان آلمانی خود با پولی که حاصل یره کثی از ما بود به خور گذرانی مفتون بود . در روزگاری که ما کارگران بی منتهای گره کرده و با فریاد مرک بر شاه برای استقلال و آزادی میهنمان مبارزه می کردیم کارفرمای ما با دیدن تصویر منحوس شاه مزدور که در اتاقش آویزان بود " از پدر تاجدار خود " برای سرکوب ما کارگران قوت قلب می گرفت و بعد از اعتراضهای مکرر از ترس حمله های کارگران مجبور شد عکس منحوس شاه را از دفتر مدیر عامل کارخانه پائین بکشد . بعد از شروع مرحله " سازندگی " و دعوت مقامات دولتی از سرمایه دارهای فراری برای کار مجدد کارفرمای ما با چندان پرازن توطئه به ایران آمد و اولین توطئه خود را مبتنی بر تعطیل کردن کارگاه طی نامه زیر به اطلاع کارگران رساند و خود از ترس کارگران راهی خانه اربابان آلمانی خود شد . ( نقل از متن اصلی )  
مهندس تکنوکرات شماره ۱۱۰۲ ۵۷/۱۲/۲۹

بدینوسیله با اطلاع کلیه کارکنان و کارگها کارگاههای بسندر عباس ، بند روئشهر ، سیرجان و همچنین کارگاه تابلوسازید رتهران

## کارگران آذر الکتریک (تبریز) دوباره به پیش! اتحاد ، ضرورت پیروزی

گزارش زیر ، شرحی است از اعتصاب کارگران کارخانه آذر الکتریک که با توطئه و نفاق افکنی کارفرما به شکست انجامید . هر چند این اعتصاب حاصلش شکست بود ولی درس بزرگی بود برای کارگران که اتحاد خود را حفظ کنند و به وعده های کارفرما دل خوش نگردند . کارگران تنها در پیروزی اتحاد ، تشکل و مبارزه است که قادر میشوند حق خود را از حلقوم کارفرما بیرون بکنند .  
کارگران کارخانه آذر الکتریک تبریز ( حدود ۱۰ کارگر زن و ۸ کارگر مرد ) حدود ۴ ماه قبل برای خواستهای زیر دست به اعتصاب میزنند :

- ۱- افزایش دستمزد که طبق قرارداد خود کارفرما بعد از سه ماه کارآموزی باید افزوده میشد .
- ۲- تقلیل ساعت کار به ۸ ساعت .
- ۳- دادن مزد اضافه کاری .
- ۴- کارآموزی به کارگران استخدام شده .
- ۵- رسیدگی به کیفیت غذا و بهداشت .
- ۶- اخراج نکردن کارگران .

در این اعتصاب کارفرما به هیچ یک از خواستهای کارگران جواب نداده با پادرمیانی اداره کار ، به این بهانه که مواد اولیه ندارد کارخانه را به مدت ۲ ماه تعطیل میکند و یکی از کارگران آگاه این کارخانه را که در این اعتصاب به نمایندگی انتخاب شده بود بیرون میکند . ولی کارگران زن این کارخانه در این مدت بیکسار نشستند و خواستهای خود را ارتقاء داده و برای جلب همکاری و همراهی سایر کارگران به شوراهای کارخانه ها مراجعه میکنند از جمله کارخانه تولکی ، پیستون سازی ، موتور

گرفت که سلالتی که مطرح خواهد شد حزب دموکرات کردستان ایران هم فعالانه وارد عملیات شده و سه سرکومی اربابها می پردازند .

## شیخ گزگسگ و ملا حسنی مردم را بخاند خون کشیدند

در این کبرو دار شیخ گزگسگ و ملا حسنی هم آرام ننشسته و هر یک عملیات ضد مردمی خود را بنحوی شروع می کنند. عوامل شیخ نظرها را توسعه داده مردم را که بر علیه خائنین به خلق در پیرانشهر داده شده بود، بخون می کشند و دوکشته و چندین زخمی بجای می گذارند و ملا حسنی هم در این کبرو دار برای تقویت هرچه بیشتر ارتجاع در منطقه، دو تانک و دو ماشین حامل " مجاهدین " و یک مینی بوس حامل جاش ( مردور ) و دو هلی کوپتر را سه هفته منگور حرکت می دهد که بر اثر اختلاف عقیده جناح های دولت و کمیته و در اثر فشار مردم و انکسار وسیع جریان در نصف راه این کاروان متوقف شد و به پادگسان پیرانشهر سرگشت .

از طرف دیگر حرکت اربابان در منطقه " آمد - مقد - مات درگیری را فراهم می آورند و حزب نیز با توجه به انگیزه هایی که شرح آن خواهد آمد با توجه به روابط تیره ای که با کمیته " آمد " بر اثر ضبط دو کامیون اسلحه حزب داشتند، قبل از اینکه درگیری اوج بگیرد منطقه آنها را بمک فلانته روستایان محاصره و در نبرد نسبتا طولانی و سخت که در آن از توپ ۱۰۵ و مسلسل های سنگین و خمپاره توسط حزب استفاده شده بود مواضع اربابان به نهایه کشته و چندین زخمی در هم کوبیده شد. عده ای از اربابان دستگیر و تعدادی نیز فراری شدند. ( بقیه این گزارش را در شماره بعدی می خوانید )

## نامه سرگشاده به خلقهای قهرمان ایران خلق بلوچ دست ارتجاع را در آستین دولت می بیند

دولت تصمیم دارد چه برنامه مشترکی را با سرداران خائنی که مسلح کرده است و ۳۴۰ پاسدار مسلح اعزامی از قسم و تهران اجرا کند!

خلقهای قهرمان ایران! همانطور که اطلاع دارید خلق تحت ستم بلوچ حدود پنجاه سال است که از ابتدای ترین حقوق یک قبیله یعنی آزادی زبان و فرهنگ محروم بوده از نظر اقتصادی چنان ظلمی بر خلق ما روا شده که مدت زیادی به وسیله یک دولت واقعا انقلابی هم قابل جبران نیست. اکثریت نقاط بلوچستان بردگانی دیده میشوند که فقط برای وده ای نان حاضرند هر آنگونه که این مزدوران میخوانند تن بدهند .

بلو همین جلادان که جماعتهای ایده آل رژیم مزدور پهلوی برای سرکوب زحمتکشان که بر علیه ظلم قیام میکرد بودند . این سرداران آنقدر رو قیچ و بیشم هستند که حتی پس از قیام خونین خلقهای ایران و درهم کوبیدن دولت مرتجع به رهبری بهمن خان پارکزی و محمد خان میر - لاشاری سرداران خائنی که اکنون نیز به وسیله دولت بسطه اصطلاح انقلابی مسلح گشته اند ایران شهربا به آتش کشیده و مردم مبارز آنرا سرکوب کردند چون میدانستند عمر کاخهای ظلمشان فقط بسکتی به حکومت شاه خائنی دارد .

اما دولت به اصطلاح انقلابی تصمیم گرفته که این خائنین به ملک و ملت را مسلح نماید تا ضد انقلاب!! را سرکوب نماید در بلوچستان خلق بلوچ دقیقا دست ارتجاع را در آستین دولت می بیند .

مردم مبارز! ما هشدار میدهم که دولت جوانان پاکباخته و انقلابی شما را مسلح نموده و بنام پاسدار انقلاب به استان بلوچستان و سیستان اعزام نموده تاثیراتی تحت رهبری این سرداران خائنی باشند، چرا که آنها پشیمانی نیروی زیادی را برای سرکوب خلق بلوچ نمیتوانند بسیج کنند .

نام خوانین با تعداد اسلحه های که از دولت گرفته اند در ذیل آورده میشود .

محمد خان میر لاشاری - سعیدی خان پارکزی - امان الله مبارکی و مولاداد سردار زهی هر یک ۳۰ قبضه تفنگ خودکار ژ - ۳ .

به لاشاریها و لاشکینها که از اردار ستم خوانین و محمد خان میر لاشاری هستند ، جمعا ۷۰ قبضه به بنی بخش هرتسی و مسکوتانی ها ۳۵ قبضه تحویل داده شده است . ماقصود این عمل دولت و سرداران راجعده مردم واقع بین و مبارز میگذارد .

آگاه این کمیته عملا بدست فدا انقلاب افتاد و در نهایت بر علیه توده های روستایی اسلحه بدست گرفت .

## چگونگی درگیری های خونین

جریان درگیری و مبارزه تحمیلی به روستایان نطفه اس در سندو بست های دولت با عوامل ارتجاع منطقه نهفته است . مزدوران و مرتجعان محلی که مسلح شده اند، با امیدی که به پشتیبانی ارتش، قیاده، شیخ گزگسگ دارند، خود را یک تاز میدان یافته و شروع به قلندری در منطقه می نمایند. در جریان اخیر نیز اربابان سابق که پایگاههای در منطقه تشکیل داده بودند اسلحه و مهمات زیادی ( حدود ۱۲۰۰۰ قبضه اسلحه ) از ملا حسنی رئیس کمیته ارومیه دریافت می کنند، شیخ گزگسگ، ارباب های سابق منطقه منگور، اربابهای سابق شکاک و ارباب های سابق منطقه آمد و زرزا هیچکدام از این مرحمت ملا حسنی بی بهره نمی مانند بدینال این مسلح شدن و امبدنقویت از جانب ملا حسنی در مناطق مختلف اربابهای سابق به روستایان اولتیماتوم میدهند که بهره مالکانه چندین ساله گذشته را که دریافت نکرده اند خواهان هستند که برای مثال چندین نمونه از آن برخوردارهای مقدماتی سبن زارغان و اربابان سابق را برای هر چه روشتر شدن موضوع ذکر می کنیم .

در تاریخ ۴/۴ نمایندگان کمیته تازه قلعه و اربابهای منطقه گزگسگ منگوران مانع از دروگردن محصول دهقانان در دهقانان در مقابل آنها مقاومت می کنند، " علی بابا آقا " ارباب کوپر میگوید باید پول ( ده دود ) \* \* \* از ۱۵ سال قبل را بپردازید که بدنبال این خواسته های نابجا دهقانان عمر همانروز اسلحه های خود را برداشته و اطراف کمیته اربابها را می گیرند تا فردا صبح آنها را محاصره می کنند، درگیری شروع می شود در جریان آن شش نفر کشته \* \* \* \* \* تعدادی زخمی و دستگیر می شوند عین همین خواسته های نابجا در آن یکی دو روز که اربابهای منطقه اسلحه دریافت کرده بودند در نقاط مختلف از جانب آنها مطرح شده بود که هر کدام بصورتی از جانب روستایان باسبغ دا شده است . مثلا : در روستای قلعه جغد منطقه آ د ارباب ده بنام فتاح سبزی در حالیکه اسلحه دریافتی خود را از کمیته به معرض دید روستایان گذاشته بوده، خ ان بهره، مالکانه عقب افتاده چندین ساله گذشت ه شده بود و گذشته بود که دولت اسلامی است و پشتیبان ماست ما هم طبق شرع اسلام مطالبات خود را می ستانیم ، که یک زارع در جواب ارباب گفته بودند ما بهره مالکانه چندین ساله گذشته که نزد من است یک تفنگ برنوخریده ام که اگر توانا کیش را دارید این تفنگ را از من بگیرید بغیرا ! به این ترتیب همزمان و در نقاط مختلف منطقه منگور خواسته های اربابان سابق به گوش زارعیان میرسد و عکس العمل های متفاوتی بروز میکنند شدیدترین آن و یا بهتر است گفته شود جرقه آن بشک ناروت از پایگاههای تازه قلعه و کوتر زده شد و بسرعت سراسر منطقه را فرا

- \* - هر جا صحت از کمیته رفته منظور همان سوراخ های عشاری است که صورت تنگلی عمل میکند .
- \* \* - ( ده و دو ) سستم گرفتن بهره مالکانه است که به ۱/۱۰ در بعضی مناطق معروف است .
- \* \* \* - اسامی اربابان کشف شده مصطفی منگوری ، ظاهر درویش خانی ، ارباب شفتان ، ارباب شالی آباد ، ابراهیم جفته آقا و علی احمدلای آقا می باشند .

افراد ای که در کردستان ناسامی فتودال و ارباب با ... شناخته شده اند . مالکین سابق می باشند که پس از فرم ارضی سال ۴۱ عمدتا به خرده مالک تبدیل گشته اند و عده معدودی از آنها هنوز هم مقدار قابل ملاحظه ای زمین در اختیار دارند که روابط حاکم بر تولید اینگونه افراد نیز روابط سرمایه داری از قبیل استخدام کارگر کشاورزی ، اجاره زمین و غیره می باشد .

در جریان جنبش اخیر ایران عده ای از این مالکین سابق بفرق احصاء روابط پوسده فتودالی و حاکم شدن بر توده های روستایی افتادند . این افراد بطور عمدتة اشغالی بودند که در دوره رژیم ساسی نیز بعنوان جاش ( مزدور ) و ساواکی و جاسوس مورد نعت مردم قسار داشتند . در مقابل عده دیگری از همین مالکین سابق تحت تاثیر جنبش و با کسب آگاهی نسبی و در رابطه با شهرها موافقی خلقی داشته و حتی در حرکت های مردمی نیز شرکت می نمودند . در میان این افراد عده ای دیده می شوند که حتی با اندازه یک روستایی معمولی هم زمین نداشتند و ناچارا ترک ولایت کرده و در شهرها بکارگری پرداخته اند . در طول یکسال و نیم اخیر سوازا ت رشد جنبش توده ای دسته اول با توجه به دیدگاه های مدخلی خود شروع به تعرض به زمینهای دهقانان نمودند و این کارشان تا بعد از قیام بهمن هم بطور بیراکنده در اینجا و آنجا مشاهده می شد . بعنوان مثال می توان از تعرض و بیورس حسین آقای بیزیلی به " روستایان بالان " ، " جهان - گیرخان " مالک بزرگ " سوما - برادوست " و روستایان این منطقه و آواره نمودن آنان ، " حاج احمد بیگ حیدری " مالک مرتجع قریه " کوزنه کویره " به مردم این روستا و دهها نمونه دیگر استناد کرد .

با شروع این یورشها و تعرضات در مناطق مختلف روستایان ضرورت متشکل شدن و بایدار در مقابل این حملات را دریافتند و در این رابطه در مناطقی چند اتحادیه های دهقانی تشکیل شد . از جمله این اتحادیه ها اتحادیه دهقانان مریوان و اورامانات ، اتحادیه دهقانان الکو و بیلوار ، اتحادیه دهقانان تیله کو ، اتحادیه دهقانان اوطنیش ، اتحادیه دهقانان آلان ... می باشند . در مقابل این شکل های دهقانی مالکین مرتجع نیز شروع به ایجاد تشکیلاتی بنام شورا های عشاری نمودند این شوراها لانه مرتجعترین و فاسدترین عناصر منطقه بود . اما سلطت برخی برخورد های نادرست نیروهای آگاه با مالکین سابق با عم از مرتجع و مترقی به یک شکل و توجه نکردن به خلقی بودن یا ضد خلقی بودن این افراد و روابط آنها با وسایل تولید ( زمین و ساسر وسایل کشاورزی ) که بر اساس این روابط منافع این افراد اسطکاکی با منافع دهقانان نداشته و در نتیجه دلیلی نداشت که مواضع ضد دهقانی بگیرند - که در مجموع همه را با یک دید نگاه می کردند در حقیقت با یک جوب میرانند که این خود باعث می شده نسبتا زیادی از خرده مالکین و حتی دهقانان فقیری که سابقا فتودال بوده اند بجای جذب شدن به صفوف خلق به صف ضد خلق بپیوندند و آلت دست مرتجعین قرار بگیرند .

نمونه مشخص این برخورد چپ را در کمیته " آمد " می بینیم . در این کمیته تعداد انگشت شماری از اربابان مرتجع عنویت داشتند ولی اکثریت تشکیل دهندگان آن از خرده مالکین و گاهی اربابانی بودند که از بی چیز روستای خود را رها کرده و به شهر آمده بودند . در ابتدای تشکیل ، این کمیته بر علیه حزب دموکرات و بیف دهقانان موضع می گرفت ولی سلطت بی توجهی نیروهای

خاطره شومش برای مبارزین در زمان رژیم سابق " هنوز فراموش نشده است .

کارگران میپرسند آیا این یاداش مبارزات قهرمانانه این کارگران است ؟ کارگران میپرسند آیا بازداشت بی دلیل کارگران مبارز نشانه های بگور سپردن شمرات قیام پرخروش مردم نیست ؟ آیا بازداشت این فرزندان خلف مبارزه در حالی که عناصر وابسته به رژیم سابق سوراخ و آزادانه میگردند ؟ تخم کینه و بدبینی در میان کارگران نمی افشاند و آنها را از " دولت انقلابی " روی گردان نمیکند ؟ آیا چنانچه فاشیسم و دستگاه جلاد صفت پهلوی پیروز میشد ، آنها اعدام نمیشدند ؟ جواب تمام این سؤالات را باید مسئولین بدین مسئولیت بدهند که هدف دشمن اصلی را فراموش کرده اند آیا دشمن انقلاب کارگران دلیبر تفنگر ما هستند ؟ یا امپریالیسم نفت خوار و کاسه لیسان او ؟

ما کارگران پیروهای آبادان ضمن پشتیبانی از اربابان هم زنجیر خواستار آزادی این کارگران مبارز و خواهان مجازات عاملین و بازداشت این کارگران میباشیم .

مرگ بر امپریالیسم آمریکا

## توضیح و تصحیح :

در شماره ۹ پیکار اسم شهید سعید ( خانه ) معینی غلط چاپ شده بود که بدینوسیله تصحیح می شود .

در شماره ۹ ، آمده بود که دکتر شوان از رهبران کرد ترکیه شهید شده است . تصحیح می کنیم که ایشان در اثر فشار رژیم ترکیه بصورت مخفی در آلمان فعالیت می کند .

در شماره ۴ پیکار در خبری از کارخانه سیمان آبیگ به تفرقه افکنی یک اعلامیه اشاره کرده بودیم که بدینوسیله تصحیح می شود، که این اعلامیه باعث تفرقه افکنی نشده است .

مرگ بر ارتجاع و عناصر ضد کارگر برقرار باد همبستگی تمامی کارگران و خلق قهرمان ما

سندیکی کارگران پیروهای ( فصلی ) آبادان و حومه

# درباره ترکیه

قبل از اینکه به اوضاع اجتماعی - اقتصادی - سیاسی ترکیه بعد از زمان آتاترک بپردازیم ، ابتدا بطور خلاصه نظری اجمالی به ساخت اجتماعی - اقتصادی کشورهای تحت سلطه اوایل قرن بیستم انداخته ، ببینیم چه وجه افتراق و وجوه تشابهی در بین این کشورها وجود داشته است .

استالین در اثر پوزنده خود ، انقلاب دمکراتیک ملی که بسال ۱۹۲۲ برشته تحریر و رأورد کشورهای تحت سلطه امپریالیستها در آن سالها از نظر ساخت اقتصادی و اجتماعی به سه دسته تقسیم کرد :

الف - کشورهای وابسته ای که در کاتگوری ، مراکش ( ایران ) افغانستان ، ترکیه و ... می گنجید . این نوع کشورها دارای سرمایه داری رشد نیافته و پرولتاریای صنعتی بسیار کم بود . قشریندی طبقاتی در بین دهقانان عمق نیافته و دهقانان بعنوان نیروی اصلی خرده بورژوازی ( به این دلیل اصلی که سرمایه داری رشد نکرده ) زیر مال و بورژوازی تجاری قرار دارد . حرکت مستقل طبقاتی تحت رهبری حزب کمونیست وجود ندارد و اگر وجود دارد از نظر کیفی بسیار ضعیف است . خود این امر عقب ماندگی سرمایه داری باعث میشد که تقسیم بندی در بین بورژوازی ملی نیز وجود نیاید .

ب - کشورهای وابسته ای که در کاتگوری چین و مصری - گنجید ، در این نوع کشورها پرولتاریا و سرمایه داری بطور نسبی رشد پیدا کرده ، حرکت مستقل طبقاتی تحت رهبری حزب کمونیست بمقدار ضعیفی وجود دارد و بورژوازی ملی بد و جناح انقلابی و سازشکار تقسیم شده است لکن جناح سازشکار هنوز پیوند مستحکم با امپریالیسم ندارد .

ج - کشورهای وابسته ای که در کاتگوری هند وستان می گنجید ، در این نوع کشورها پرولتاریا و سرمایه داری کم و بیش رشد یافته است و بورژوازی ملی بد و جناح انقلابی و سازشکار تقسیم شده و جناح سازشکار دارای پیوند مستحکم با امپریالیسم میباشد . این خلاصه نقل بمعنای تحلیلهای استالین در مورد کشورهای تحت سلطه در شرایط تاریخی آن زمان است . بسا توجه به این تقسیم بندی ، ترکیه سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ در کاتگوری مراکش ، ایران و افغانستان قرار میگرفت ، حرکت مستقل طبقاتی پرولتاریا وجود نداشت ، قشریندی در بین دهقانان وسعت و عمق نیافته و بورژوازی ( مقصود عمدتاً دهقانان ) که بسمت پرولتاریا باید متشکل شده است . دهقانان به عنوان نیروی ذخیره بورژوازی تجاری هستند و برای همین یک انقلاب ارضی نیرومند نیز وجود ندارد . مرحله تجزیه بورژوازی ملی طی نشده است ( که خود این مشروط به حرکت انقلابی نیرومند پرولتاریای است ) در چنین کشورهایی

برای درس آموزی از مبارزات خلقهای ترکیه ، با آن نما ره بعد ، مقالاتی در مورد ترکیه خواهیم آورد . این مقالات عمدتاً حاوی مطالبی در مورد نیروها و سازمانهای مختلف سیاسی در ترکیه است

بورژوازی تجاری از یکطرف با امپریالیسم و فئودالهای وابسته تضاد دارد و این تضاد بخصوص زمانی که کشور از طرف امپریالیست ها اشغال میشد با وج خود میرسید . چراکه امپریالیسم فعالیت استعمارگران و جلوی رشد این قشر را محدود میکرد و برعکس راه را برای استعمار و تسلط به بازار توسط خود و فئودالها و بورژوازی تجاری وابسته بطور نامحدودی باز میکرد . لکن بعلمت اینکه بورژوازی تجاری ، زحمتکشان شهر و راه مورد استعمار قرار میداد ، تضاد او با فئودالها و امپریالیسم تنها حدی نبود که به تصفیه کامل آنها مبادرت ورزید ( ۱ ) ( وابستگی بورژوازی تجاری به فئودالها و مناسبات فئودالی از این زمینه مادی آب میخورد که این بورژوازی ارزش اضافی را که به جیب میزد ، این ارزش اضافی و یا انباشت سرمایه را نمیتوانست در صنعت سرمایه گذاری کند چون این صنایع قدرت رقابت بسیار صنایع امپریالیستی را نداشتند برای همین بالا جبار این سرمایه گذاری روی زمین صورت میگرفت و از این طریق به مناسبات فئودالی وابستگی پیدا میکرد . ) در مقابل ، زحمتکشان شهر و روستا بعلمت اینکه تضاد عمیق و آشفتنی نامذیری با امپریالیسم و فئودالها داشتند طرفدار تصفیه کامل و تادم عیار آن در وطن خود بودند . در رابطه با این تضاد بود که خود بخود سیاست ضد کارگری وضد دهقانی بورژوازی تجاری اساس سیاست او را تشکیل میداد .

## ماهیت کمالیستها

با چنین اوضاع اجتماعی اقتصادی ترکیه وارد جنگ امپریالیستی جهانی شد . همراه با پاپایان جنگ ، ترکیه از طرف بلوک انگلستان ، فرانسه و رتاجع یونان اشغال گردید . مبارزات خلق ترک از همه نقاط ترکیه بر علیه اشغالگران آغاز شد . این مبارزات ابتدا جدا جدا هم بودند اما برای متحد کردن و متمرکز کردن این مبارزات کنفرانس ارزوم و سیواس برقرار گردید این کنفرانسها تحت رهبری مصطفی کمال پاشا ( که از فرماندهان ارتش عثمانی بود ) و بعد از آن دیگر فرماندهان ارتش سابق بازرگانان و فئودالها بود . بعد از این کنفرانس ، مبارزات تحت یک رگان مرکزی یعنی " جمعیتهای دفاع از حقوق " قرار گرفت ،

۱- یکی از علل اساسی شکست انقلاب مشروطیت کشور ما و ...

# پیام بخانواده های مجاهدین شهید متحصن در دادگستری

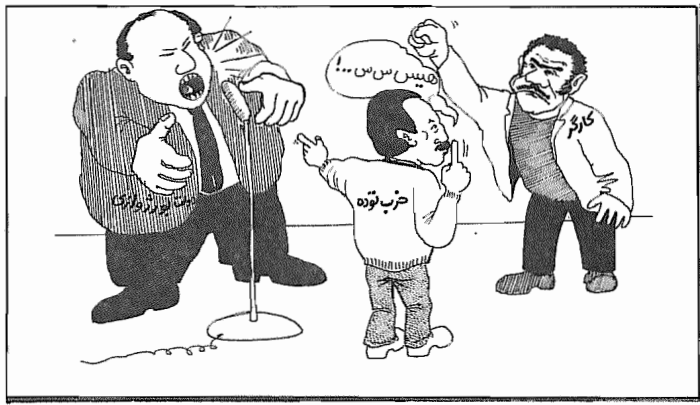
مادران و خواهران مجاهد درود گرم ما و همه هموطنان انقلابی و آزاده ای که دلها تن خاطر به پیروزی رساندن انقلابی می تپد بر شما باد . شما با اقدام افتخارانه خود در دفاع از دست آوردهای انقلاب در جلوگیری از روی کار آمدن محدود استناد و ارتجاع ، و در مقاومت سرسختانه از فرزندان رزمنده ، خلق که در دامان پاک خود پرورده اید بکبار دیگر ثابت نمودند که توده های ستم دیده ، ما اجازه تجاوز به حریم آزادی را به هیچکس تحت هیچ عنوان نخواهد داد .

دستگیری ، شکنجه و اتهامات وارده بر مجاهد اسیر محمدرضا سعادتی جزئی از طوفان های گستاخانه سیه جنان انقلاب است که تاکنون به اشکال مختلف از دستگیری فرزندان آیت الله طالقانی گرفته تا دستگیری اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق و کارگران سازش نعت ، از به آتش کشیدن کتا بفروشی ها ، تهدید روزانه ها ، هتک حرمتها و انهاها ، تهدید بقتل ها سرکوب خلقهای حق طلب ، بر فرار کردن قانون قسرون وسطای محتیش عقاید در ادارات و مدارس تا تحمیل قانونهای مستبدانه و نمونه های بیشمار دیگر و دریک کلام زیر پا گذاشتن بسیاری از هدفهای که بنام عظیم خلقهای ما بخاطرش بر پا گردید ، بپا شده است .

مادران و خواهران مجاهد فریاد شما در دفاع از آزادی و دموکراسی نسه فقط دفاع از مجاهد اسیر سعادتی بلکه دفاع از اهدافی است که فرزندان قهرمان شما از سالها پیش در راه آن ره سیر شدند و جان عزیز بر سر آن گذارند . ما همدا باشما حواستار آزادی بی فید و شرط همدا سعادتی و محاکمه کسان ستم که با یک تازماری خود انقلاب خلق ما را به شکست تهدید می کنند و تخم باس و تفرقه در بین خلق می پاشند ، برای مبارزه با انقلابیون حتی از ساواک کمک میگیرند و میکوشند انقلاب ضد امپریالیستی ضد استبدادی خلق های ما را به انحسار بکشانند و با سوء استفاده از قدرتی که بنام انقلاب غضب کرده اند ، مهمترین خدمات را به امپریالیسم و ارتجاع می نمایند .

مادران مجاهد ، مقاومت شما در برابر استبداد پهلوی و هر نوع استبداد و آزادیکی دیگر برای همه مبارزان درسی است الهام بخش . درود بر مجاهدین شهید متحصن در دادگستری درود بر مجاهد سعادتی محکوم باد کوش های ضد انقلاب برای ببند کشیدن خلق

# حزب توده برگرفته های تهرانی جلاد صخه میگذارد



مقاومت ) تکه سیمی را می جرخانند و همان کسی است که در ۱۷ شهریور همراه ساسر همکاران ساواکش مشغول تک تیراندازی در میدان شهدا بوده فعالین تظاهرات را به گلوله می بست و با به قول خودشان شکار می کرد . و خور چند زندانی در دادگاه کافی بود که صدها نمونه از این جنایات مطرح شود . و ... تهرانی این بود . اما حزب توده با او چه کرد ؟ در مردم شماره ۲۹ چهارشنبه ۳۰ خرداد مقاله ای با عنوان " استفاده از جلاد ساواک برای تبلیغات علیه حزب توده ایران " چاپ شده که در آن از اینکه تهرانی " ماثوئیتهای خائن " را " توده ایها و فدائیان مهران " در یک ردیف قرار داده سخت گله مند است و در عین حال که معترب است که استفاده از تخصص بهرایی - که چیزی غیر از کشتار مبارزین نبوده - ادامه دارد ، البته

مادرشاره " پشین بیکار " ، هدف از نمایش فکرمونیستی ( دادگاه تهرانی ) را بروشنی بیان کردیم و گفتیم که هدف صحنه گردانان دادگاه کوبیدن انقلاب بیون سازمانهای انقلابی بود این دادگاه چیزی بیش از یک خیمه شب بازی نشانه نبود . نحوه محاکمه تهرانی و بر خورداری بکجانیه وی از تریبون دادگاه ، این امکان را به تهرانی داد که تمامی آموخته ها و تجربیاتش را از " سیا " و " موساد " روی دادیره بریزد و با زرنگی تمام ، با عوا فریبنا سه ترین

معلوم ! ) در این مقاله از اینکه ساواک در سازمان های دیگر هم نفوذ داشته ولی نوک تیز حمله فقط متوجه حزب توده بوده و از آن بهره برداری تبلیغاتی شده اعتراض شده است . و اما گویا تهرانی در جلسات بعدی بر وفق مراد توده ایها سخن گفته چون در مردم شماره ۳۰ حزب توده با استناد به گفته های تهرانی در لجن مال کردن انقلابیون از تهرانی نیز پا را فراتر گذاشته است و در مقاله ای تحت عنوان " اسرار همکاری ماثوئیتها با ساواک فاش شد " به تخطئه مبارزات قهرمانان نه افراد صافی چون گریسوز بیروندها و واعظ زاده ها و طوافچیان ها که حسابشان از رهبری سازمان انقلابی ( بخوان بورژوازی " سه جهانی " ) جداس می پردازد و با یک کاسه کردن سیروس نهادی با این قهرمانان دلوار در زیر چتر ماثوئیس به فرصت طلبی خود ابعاد جدیدی می بخشد . از نظر حزب توده هدف وسیله را توجیه می کند . بنا بر این از نظر این آقایان ماکیا ولیست چه باک که برای کوبیدن رفسب حتی با تهرانی جلاد همسدا شوند .

ما یک بار گفتیم که سنگی را که روی بیونیستها بلندی کنند سرانجام روی بای خودشان خواهد افتاد و امروز شاهد آنیم که دو رویی رهبران حزب توده و توسل به تهرانی نه تنها باعث نفرت ساز هم بیترکمونیست های واقعی و ترفی خواهان گشته بلکه حتی برخی از اعضای ساده " حزب " نیز از این روش اظهار انزجار کرده اند .

دفاع از شهدای سازمان " انقلابی " ، ربطی به ماهیت آن سازمان ندارد همانطور که دفاع از خسرو روزبه ها ربطی به حزب توده ندارد . این دفاعی است لازم همانطور که مبارزه بر علیه رویونیست های سرسریده ، حه از نوع حزب توده ای وجه از نوع سازمان